

حنین ، یکمقاله . کتاب ترکیب الادویة - ترجمه حبیبش اعسم ، هفده مقاله . کتاب الادویة المقابلة للادواء - ترجمه عیسی بن یحیی ، دو مقاله . کتاب التریاق الی بیسن - ترجمه یحیی بن بطریق ، یکمقاله . کتاب الی ثراسا بولوس ترجمه حبیبش^۱ - یکمقاله . کتاب الرياضة بالكرة الصغيرة - ترجمه حبیبش ، یکمقاله . کتاب الرياضة بالكرة الكبيرة^۲ ترجمه حبیبش ، یکمقاله . کتاب فی ان الطیب الفاصل فیلسوف - ترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب محنة^۳ الطیب - ترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب الحث علی تعلم الطب - ترجمه حبیبش - یکمقاله . کتاب کتب بقراط الصحیحة - ترجمه حنین ، یک مقاله . کتاب ما یعتقده رایاً - ترجمه ثابت ، یکمقاله . کتاب البرهان - این کتاب در پانزدهم مقاله بوده که موجود از آن ... کتاب تعریف المرء عیوب نفسه - ترجمه توما ، و اصلاح حنین ، یکمقاله . کتاب الاخلاق - ترجمه حبیبش ، چهار مقاله . کتاب انتفاع الاخیار باعدائهم - ترجمه حبیبش . یکمقاله . کتاب ما ذکره افلاطن فی طیماوس - که موجود از آن یکمقاله عربی^۴ بترجمه حنین است ، و اسحاق سه مقاله باقیمانده را ترجمه کرده است . کتاب فی ان قوی النفس تابعة لمزاج البدن - ترجمه حبیبش ، یکمقاله . کتاب المحرك الاول لا یتحرك - ترجمه حنین ، یکمقاله . و عیسی بن یحیی ، و اسحاق نیز آنرا ترجمه کرده اند . کتاب المدخل الی المنطق - ترجمه حبیبش ، یکمقاله . کتاب عدد المقاییس - ترجمه اصطفی بسیل ، و اسحاق نیز ترجمه از آن برای علی بن یحیی دارد . کتاب تفسیر الثانی من کتب ارسطالیس - ترجمه اسحاق بن حنین ، سه مقاله .

روفس

پیش از جالینوس ، و از شهر افسس^۵ بود ، و در طب برجستگی ، داشته ، و در میان مردم افسس فاضلتر از وی دیده نشد . و این کتابها از اوست : کتاب تسمية اعضاء الانسان - یکمقاله . کتاب فی العلة التي يعرض معها الفزع من الماء - یکمقاله . کتاب الیرقان والمرار - یکمقاله . کتاب الامراض التي تعرض فی المفاصل - یکمقاله . کتاب تنقیص اللحم - یکمقاله .

۱- ف (حنین) . ۲- ش (الصغيرة) . ۳- ش (محنة) .

۴- ف (عشرون مقاله) و ش (عربی مقاله) و ظاهراً این صحیح است چون این کتاب چهار مقاله است .

۵- افسس - بفتح اول و سکون دوم و کسر سین با سین دیگر ، شهر است در اناطولی در شصت کیلومتری از میر (معجم البلدان ج مستدرک) .

کتاب تدبیر من لایحضره طبیب - دو مقاله . کتاب الذبحة - یکمقاله . کتاب طب بقراط ، یکمقاله . کتاب استعمال الشراب - یکمقاله . کتاب علاج اللواتی لایحبلن - یکمقاله . کتاب فی وصایا حفظ الصحة - یکمقاله . کتاب الصرع - یکمقاله . کتاب التریاق - یکمقاله . کتاب الحمی الربع یکمقاله . کتاب المرّة السوداء - دو مقاله . کتاب ذات الجنب و ذات الرئة - یکمقاله . کتاب التدبیر - دو مقاله . کتاب الباء - یکمقاله . کتاب الطب - یکمقاله . کتاب فی الاعمال التي تعمل فی بیمارستانات - یکمقاله . کتاب اللبن - یکمقاله . کتاب الفرق - یکمقاله . کتاب الباء - یکمقاله^۱ . کتاب فی الابکار - یکمقاله . کتاب فی التین^۲ - یکمقاله . کتاب الادویة القاتله - یکمقاله . کتاب فی تدبیر المسافر - یکمقاله . کتاب فی البخر - یکمقاله . کتاب فی القئی - یکمقاله . کتاب علل الکلی والمثانة - یکمقاله . کتاب هل کثرة شرب الدواء فی الولاة نافع - کتاب فی الاورام الصلبة ، کتاب فی الذکر - یکمقاله . کتاب فی علة ذیونوسوس - که قیح^۳ است ، یکمقاله . کتاب الجراحات - یکمقاله . کتاب تدبیر الشیخوخة - یکمقاله . کتاب وصایا اطباء - یکمقاله . کتاب الحقن - یکمقاله . کتاب الولادة - یکمقاله . کتاب الخلع - یکمقاله . کتاب احتباس الطمث - یکمقاله . کتاب الامراض المزمنة علی رای بقراط - یکمقاله . کتاب فی مراتب الادویة - یکمقاله .

فیلغریوس

اسحاق بن حنین نامی از این شخص در تاریخ اطباء نبرده . و معلوم نیست در چه زمانی بوده ، و من نام این کتابها را از وی بخط عمرو بن فتح دیدم که در یک جزوه نوشته بود : کتاب من لایحضر هم طبیب - یکمقاله . کتاب وجع النقرس - یکمقاله . کتاب الحصاة - یکمقاله . کتاب الماء الاصفر - یکمقاله . کتاب وجع الکبد - یکمقاله . کتاب القولنج - یکمقاله . کتاب الیرقان - یکمقاله . کتاب خناق الرحم - یکمقاله . کتاب عرق النساء - یکمقاله . کتاب السرطان - یکمقاله . کتاب صنعة تریاق الملح - یکمقاله . کتاب عضة الکلب (الکلب) یکمقاله . کتاب علامات الاسقام - پنج مقاله . کتاب فی القوباء - یکمقاله که ابوالحسن حرانی آنرا ترجمه ناتمامی کرده . کتاب الی... فیما یرض للثة والاسنان - ترجمه ابوالحسن حرانی .

۱- ظاهراً مکرر است . ۲- ش (فی السن) ونقطه ندارد ظاهراً (الیین) باشد که بمعنی عجز - استخوان سرین - است (رک اقرب الموارد) . ۳- قیح - زرداب وریم بی آمیزش خون (منتهی الارب) .

اوریباسیوس

معلوم نیست که پیش از جالینوس ، یا بعد از او بوده ، و در تاریخ الاطباء ذکرى از او نشده ، و این کتابها را او داشته است : کتاب الی ابنه اسطاث - نه مقاله ، بترجمه حنین - کتاب الی ابنه اوثافیس - چهار مقاله ، بترجمه حنین . کتاب تشریح الاحشاء - یکمقاله . کتاب الادویة المستعمله - بترجمه اصطفن بسیل . کتاب السبعین - یکمقاله ، ترجمه حنین ، و عیسی بن یحیی بسریانی .

نام گروهی از طبیبان باستانی که تألیف

کمی دارند و زمانشان بدرستی معلوم نیست

اصطفن . جاسیوس : انقیلاوس . مارنیوس . و این گروه از اسکندرانیا نند^۱ که کتابهای جالینوس را جمع ، و مختصر نموده ، و گفتارهای او را خلاصه کرده اند . بویژه شانزده کتاب جالینوس را .

اوارس

درفرت میان اسقلیبوس ، و غوروس بوده ، و این کتاب از اوست : کتاب العلل المهلکه ، یکمقاله .

افلاطون

صاحب کی^۲ ، و گویند ، وی از کسانی آموخته بود که از جالینوس فرا گرفته بودند ، و این کتاب از اوست : کتاب الکی - یکمقاله ، و معلوم نیست چه کسی آنرا ترجمه کرده است .

۱- رجوع شود بصفحه ۴۵۹ این کتاب .

۲- کی - داغیست که با آهن تافته و جز آن برعضوی نهند . (فرهنگ نفیسی)

ارسیجانس

پیش از جالینوس بود. و این کتاب از اوست : کتاب طبیعة الانسان - یکمقاله ، مترجم آن گمنام است .

معلس^۱ حمصی

پیش از جالینوس، و از شاگردان (شاگردان) بقراط بود . و این کتاب از اوست : کتاب البول - یکمقاله .

فولس اجانیطی

معروف بقوابلی . و این کتابها از اوست : کتاب الکناش فی الطب - بترجمه حنین ، یکمقاله . کتاب فی علل النساء .

دیسقوریدس عین زربی^۲

ویرا سیاح شهرستانها گویند ، و یحیی نحوی در کتاب تاریخ خود ، ستایش بسیاری از او نموده ، و گوید : جانها بفدایش باد . او صاحب نفس زکیه بود . که برای مردم نفع و سود فراوانی داشت . زحمتها کشید ، و دوند گیها نمود ، و شهرستانها را در نور دید ، تا علم ادویه مفرده را ، از دشتها ، و جزیرهها ، و دریاها ، بدست آورده ، و تصویری از آنها برداشته ، و منافع آنها را پیش از اینکه پرسشی از آنها شده باشد ، یک بیک شرح داد . و این کتابها از اوست : کتاب الحشائش - پنج مقاله ، و دو مقاله دیگر درباره جنبندگان و سمیات بر آن افزود ، هر چند که گویند این دو مقاله از او نبوده ، و بوی نسبت داده شده است . و مترجم آن حنین ، و بقولی حبیش است .

اقریطن

معروف بمزین^۳ و پیش از جالینوس و بعد از بقراط بود . و این کتاب از اوست :

۱- ف (مغنس) . ۲- عین زربد - شهر است در ترکیه در جنوب شرقی .

۳- مزین - سرتراش و حجام (فرهنگ نفیسی) . کلیکیه (اعلام المنجد) .

کتاب الزینه .

اسکندروس

ویرا طرالینوس هم گویند ، و همان اسکندر طبیب است که پیش از جالینوس بود . این کتابها از اوست : کتاب علل العین و علاجاتها - سه مقاله . و من ترجمه قدیمی آنرا دیده ام . کتاب البرسام - ترجمه ابن بطریق برای قحطبی . کتاب الصغار والحیات والدیدان الی تتولد فی البطن - یکمقاله ، از ترجمه های قدیمی است .

سیقالس

این کتاب از اوست : کتاب الرحم .

سورنوس حکیم

جایگاهش معلوم نشده، و این کتاب از اوست : کتاب الحقن - ترجمه اسطاث باصلاح

حنین .

نوشته ثابت درباره بقراطها

از ثابت پرسیدند بقراطها چند نفر بودند ، در جواب گمت : نخستین کسانی که از نسل اسقلیبوس بودند چهار نفرند ، که از بقراط اول، پسر اغنوسودیقوس تا اسقلیبیادس نه پشت ، و از بقراط دوم پسر ابر اقلیدس، پسر بقراط اول ، تا اسقلیبیوس نه پشت بود ، و این بقراط دوم باواخر جنگ معروف ببولونیسانس^۱ رسید . و از بقراط سوم پسر دراقن پسر بقراط دوم ، تا اسقلیبیوس ، پدرانشان بیازده نفر میرسد . و از بقراط چهارم که پسر ثالس^۲ پسر بقراط دوم بود تا اسقلیبیادس ، پدرانشان بیازده

۱- بولونیسانس Peloponnese جنگ تاریخی است که از سال ۴۳۱ - تا ۴۰۴ قبل

از میلاد، میان اسپارتيان و یونانیان آتن برپا شده و منجر بویرانی آتن گردید (ر. ک. فرهنگ لاروس) .

۲- ف (ثاسلوس) .

پدر میرسید .

و بقراط سوم ، با بقراط چهارم پسر عمو بوده ، و با این ترتیب پدران هر يك از این دونفر تا اسقلبیادس ، در شماره یکسان است . و اینرا هم باید دانست^۱ ، که در میان پدران این چهار بقراط ، تسالس^۲ نیز - که پدر بقراط دوم است - بشمار آمده ، و این پنجنفر کسانی هستند، که مورد احترام و تکریم فراوانند ، ولو آنکه ، برخی از ایشان بر برخی دیگر رحجان ، و شایستگی بیشتری داشته باشد ، و کتابهایشان باندازه رضایت بخش است، که ما آنها را تفسیر مینمائیم بی آنکه انتساب کتابی بیکی از آنان را مورد توجه قرار دهیم .

و گویند بقراط اول ، پسر اغنوسودیقوس ، اول کسی است که طب را برشته^۳ تحریر در آورده، و این دو کتابرا تألیف کرد : کتاب الکسر والخلع . کتاب المفاصل . و بقراط دوم ، این چهار کتابرا نوشت : کتاب تقدمة المعرفة . کتاب الفصول ، مقاله اول اپیدیمیا . و مقاله سوم اپیدیمیا . و کتابهایی را که جالینوس شمرده ، هشت کتابی است که شش کتاب از آنها جلوتر بوده ، و عبارت از کتاب الکسر والخلع ، و کتاب المفاصل ، و کتاب تقدمة المعرفة ، و مقاله اول ، و مقاله سوم در اپیدیمیاست . و دو کتاب باقیمانده ، تتمه آن هشت کتاب میباشد ، و عبارتست از : کتاب الاهویة والمیاه والبلدان . و کتاب الامراض الحادة و هو - ماءالشعیر .

گویند بر روی قالیم زمین ، اسقلبیوس دوازده هزار شاگرد داشته ، و او علم طب را شفهی ، و بگفتار میآموخت ، و چون دید خانواده ، و پروانش رو بکم شدن گذاشته ، و از انقراض این صناعت بیمناک گردید ، شروع بتألیف کتاب بطور اختصار و ایجاز نمود و بهمین جا نقل گفته‌های ثابت پایان میرسد .

نوآموختگان

حنین

حنین بن اسحاق عبادی ، کنیه اش ابوزید است . و عباد نصرانیان حیره اند^۴ و او از فضلاء در طب ، و از فصحاء در زبان یونانی ، و سریانی ، و عربی بود . و برای جمع آوری کتابهای

۱- ف (وینبغی، ان یتهم) ش (وینبغی ان یفهم) .

۲- ف (اومن ثاسلوس) ش (وامر تسالس) .

۳- عباد نصرانیان ساکن در حیره اند که بازرگانی شراب داشتند و شعارشان در روز جنگ با شاپور (یا آل عبادالله بود) ، و بدین سبب - عباد - نامیده شدند (اعلام المنجد) .

باستانی ، بشهرستانها رفته ، و بروم مسافرت نموده ، و بیشتر ترجمه‌هایش برای بنوموسی بود . و در روز سه شنبه ششم صفر سال دویست و شصت ، مطابق با روز اول کانون الاول سال یکهزار و یکصد و پنجاه تاریخ اسکندر رومی وفات یافته ، و بجز ترجمه‌ای که از کتابهای باستانی دارد ، این کتابها از اوست : کتاب احکام الاعراب علی مذاهب الیونانیین - دومقاله . کتاب المسائل فی الطب للمتعلمین - و حبیش اعسم شاگردش ، بر آن چیزهایی افزود . کتاب الحمام - یکمقاله . کتاب اللبن - یکمقاله . کتاب الاغذیه - سه مقاله . کتاب علاج العین - ده مقاله خوب است . کتاب تقاسیم علل العین - یکمقاله . کتاب اختیار ادویه علل العین - یکمقاله . کتاب علاج امراض العین بالحديد - یکمقاله . کتاب الات الغذاء - سه مقاله . کتاب کتاب الاسنان واللثة - یکمقاله . کتاب الباء - یکمقاله . کتاب تدبیر الناقه - یکمقاله . کتاب معرفة اوجاع المعدة و علاجها - دو مقاله . کتاب فی المد والجزر - یکمقاله . کتاب فی السبب الذی صارت مياه البحر له مالحة - يك مقاله . کتاب الالوان - یکمقاله . کتاب فی البول - علی طریق المسئلة والجواب - یکمقاله . کتاب المولودین لثمانیه اشهر - یکمقاله که برای امولدا متوکل تألیف کرد . کتاب التریاق - دو مقاله . کتاب العین - بصورت سؤال و جواب - سه مقاله . کتاب ذکر ما ترجم من الكتب - دو مقاله . کتاب قاطیغوریاس علی رأی ثامسطیوس - یکمقاله . کتاب رسالته الی الطیفوری فی قرص الورد . کتاب القروح^۲ و تولده . یکمقاله . کتاب الاجال - یکمقاله . کتاب تولد النار بین الحجرین - یکمقاله . کتاب تولد الحصاة - یکمقاله . کتاب اختیار الادویه المجربة^۳ يك مقاله . کتاب الی ابن المنجم فی استخراج کمية^۴ کتب جالینوس .

قسطا

بن لوقا بعلبکی ، که برای فضل ، و شرافت ، و برجستگی او در صناعت طب ، میبایستی ویرا برحنین مقدم داشته باشیم ولی بخواهش دوستان حنین را پیش انداختیم ، و هر دو از دانشمندان بشمار میرفتند . قسطا از کتابهای باستانی ترجمه‌هایی دارد ، و در بسیاری از علوم ، چون طب ، و فلسفه ، و هندسه ، و اعداد ، و موسیقی ، باندازه مهارت داشت که قابل طعنه نبود . در زبان یونانی فصیح ، و در عربی خوش بیان بود . و در پیش یکی از پادشاهان ارمنستان وفات یافت . و از همانجا جواب نامه را که ابوعیسی بن منجم درباره نبوت محمد علیه السلام باو نوشته بود داده ، و در همانجا کتاب الفردوس فی التاریخ - را تألیف کرد . و گذشته از ترجمه ، و تفسیر . و شرحهاییکه دارد ، این کتابها نیز از اوست : کتاب الدم .

۱- امولد بکنیزکی گویند که از اربابش فرزندی آورده باشد (ر.ک منتهی الارب).

۲- ف (القرح) . ۳- ف (المحرقة) . ۴- ش (کتبه) .

کتاب البلغم . کتاب الصفراء . کتاب السوداء . کتاب المرايا المحرقة . کتاب السهر . کتاب فی الاوزان والمکایل . کتاب السياسة - سهمقاله . کتاب علة موت الفجأة . کتاب الاعداد . کتاب معرفة الخدر وعلاجه . کتاب ايام البحران . کتاب علل الشعر . کتاب الفصل بين النفس والروح . کتاب الباه . کتاب العلة فی اسوداد الحبش وتغيره من الرش . کتاب فی المروحة واسباب الريح . کتاب فيما يشترك فية الاخلاط الاربعة . کتاب الفرستون . کتاب فی الاستدلال بالنظر الی اصناف البول . کتاب المدخل الی المنطق . کتاب العمل بالکرة النجومية . کتاب نوادر الیونانیین - بترجمه خود او . کتاب شرح مذاهب الیونانیین . کتاب المدخل الی علم الهندسة . کتاب رسالته فی الخضاب . کتاب رسالته فی قوانین الاغذية . کتاب شکوک کتاب اقلیدس . کتاب الفصد - درهجده باب . کتاب المدخل الی علم النجوم . کتاب الحمام . کتاب الفردوس فی التاريخ . کتاب رسالته فی استخراج مسائل عدديات من المقالة الثالثة من اقلیدس . کتاب تفسیره لثلاث مقالات و نصف من کتاب ذیوفنطس فی المسائل العددية .

یوحنا بن ماسویه

ابوزکریا یحیی بن ماسویه ، از طبیبان فاضلی است که نزد پادشاهان مرتبتي داشت ، و از علما و مصنفان بود ، بمأمون ، و معتصم ، و واثق و متوکل خدمت کرد . بخط حکیمی خوانده ام که ابن حمدون ندیم ، در محضر متوکل بابن ماسویه شوخیهای تحقیر آمیزی نموده ، و ابن ماسویه باو گفت: اگر بجای جهلی که داری عقل بود و آنرا بریکصد خنفساء تقسیم میکردند ، هر يك از آنها عاقلتر از ارسطو بود . وفات یحیی بن ماسویه در... و این کتابها از اوست : کتاب الکمال والتمام . کتاب الکامل . کتاب الحمام . کتاب دفع ضرر الاغذية . کتاب الاسهال . کتاب علاج الصداع . کتاب السدر والدوار . کتاب لم امتنع الاطباء من علاج الحوامل فی بعض شهور حملهن . کتاب محنة الطیب . کتاب مجسة العروق . کتاب الصوت و البحة . کتاب ماء الشعیر - کتاب الفصد والحجامة . کتاب المرة السوداء . کتاب علاج النساء التي لا یحبطن . کتاب السواک والسنونات . کتاب اصلاح الادوية المسهلة . کتاب الحمیات - مشجر کتاب القولنج . کتاب

یحیی بن سرافیون

تمام تألیفاتش بسریانی بود . واز دولتیان بشمار میرفت ، و این دو کتاب خود را

در طب عربی ترجمه کرد : کتاب کناش یوحنا الکبیر - دوازده مقاله - کتاب الکناش الصغیر - هفت مقاله .

علی بن زیل - بالام

ابوالحسن علی بن سهل طبری ، کاتب مازیار بن قارن بود ، و همینکه بردست معتصم اسلام آورد ، معتصم او را بخود نزدیک نموده ، وفضلش درمقر خلافت آشکار گردید ، و متوکل ویرا در جرگه ندیمان خود در آورد ، زیرا در ادب مقامی داشت . و این کتابها از اوست ؛ کتاب فردوس الحکمة - در هفت نوع ، و هر نوعی مشتمل برسی مقاله و آن مقالهها مشتمل بر سیصد و شصت باب است ، کتاب تحفة الملوك . کتاب کناش الحضرة . کتاب منافع الاطعمة والاشربة والعقاقیر .

عیسی بن ماسه

از طبیبان برجسته بوده ، و این کتابها از اوست : کتاب قوی الاغذیه . کتاب من لایحضره طبیب .

جورجس

پدر بختیشیوع ، از بزرگان دولت و از فضلا بوده ، و این کتاب از اوست : کتاب الکناش المعروف .

سلمویه ابن بنان

از فاضلان برجسته بود که بمعتصم خدمت کرده و بوی اختصاص داشت . تا جائیکه معتصم هنگام وفات سلمویه گفت ، من باو ملحق خواهم شد ، زیرا او حیات مرا در دست داشت و بدن مرا اداره میکرد . از کتابهای اوست :

بختیشیوع

مکنی با بوجبرئیل ، و نام پدرش جبریل و از مشاهیر معروفی است که نزد پادشاهان بر همه تقدم داشت . و برشید ، امین ، مأمون ، معتصم ، واثق و متوکل خدمتها کرد ، و از طبابت

مقداری اندوخته بدست آورد که هیچکسی بآن مقدار دستیابی پیدا نکرد . و خلفا درباره زنان بچه دار خود، بوی اطمینان میکردند و اخبارش در همه جا شهرت دارد . و از کتابهای اوست : کتاب التذکره -- که برای پسرش جبرئیل تألیف کرد .

مسیح دمشقی

نامش ابوالحسن، و بیش از این چیزی درباره او بدست نیامده . و از کتابهای اوست...

اهرن کشیش

از دولتیان است، و کتاب خود را بسریانی تألیف کرده ، که ماسرجیس آن را ترجمه نمود . و این کتاب از اوست : کتاب الکناش - و آنرا در سه مقاله درآورد ، و ماسرجیس دومقاله بر آن افزود.

ماسرجیس

از طبیبان و مترجمان سریانی عبری است، و این کتابها از اوست : کتاب قوی الاطعمه و منافعها و مضارها . کتاب قوی العقاقیر . و منافعها و مضارها .

سابور بن سهل

رئیس بیمارستان جندیسابور^۱ و از فضلا و علماء برجسته بود . و این کتابها از اوست : کتاب الاقرباذین -- که در تمام بیمارستانها و دواخانهها بآن عمل نمایند ، و در بیست و دو باب است . کتاب قوی الاطعمه و مضارها و منافعها . سابور بن سهل نصرانی از دنیا رفت ، و وفاتش در روز دوشنبه نه روز بآخر ذی الحجه سال دویست و پنجاه و پنج بود.

ابن قسطنطین

نامش عیسی ، و کنیه اش ابوموسی ، از طبیبان بافضل بود . و این کتاب از اوست : کتاب البواسیر و عللها و علاجاتها .

عیسی بن ماسرجیس

و این کتابها از اوست : کتاب الالوان . کتاب الروایح والطعوم .

۱- رجوع شود بصفحه ۴۴۱ این کتاب .

عیسی بن علی

از شاگردان حنین ، و از فضلاء بود . و این کتاب از اوست : کتاب المنافع التي تستفاد من اعضاء الحيوان .

حبیش بن حسن اعسم

از نصرانیان ، و یکی از شاگردان حنین ، و از مترجمان سریانی بعربی بود ، و حنین ویرا بر همه مقدم میداشت و بزرگواریش راستایش ، و از ترجمه‌هایش اظهار رضایتمندی مینمود و گذشته از ترجمه‌هایش این کتاب از اوست : کتاب الزیادة فی المسائل التي لحنین .

عیسی بن یحیی

ابن ابراهیم ، از شاگردان حنین ، و مترجمان بسیار خوبی بود ، و گذشته از ترجمه‌هایش این کتابها از اوست

طیفوری طبیب

حنین برای او چندین کتاب در طب ترجمه نموده ، و از فضلاء برجسته‌ایست که بخلفا خدمتها داشته ، و این کتابها از اوست

علاجی

معروف بیحیی بن ابو حکیم ، از طبیبان معتضد ، و این کتاب از اوست : کتاب التدبیر الابدان النحيفة التي غلبت عليها الصفراء - و آنرا برای معتضد تألیف کرد .

ابن صهار بخت^۱

ناهش عیسی ، و از مردم جندیسابور است . و این کتاب از اوست : کتاب قوی الادویة المفردة علی الحروف .

۱ - یعنی چهار بخت (ر.ک. لغتنامه دهخدا) .

ابن ماهان

معروف بیهقوب سیرافی ، و معلوم نیست در چه زمانی بوده ، و این کتاب از اوست :
کتاب السفر والحضر فی الطب - نازک است .

برمیگردیم بکسانیکه بعد از حنین بودند

کسانی را که پیش از این گفتیم ، برای این بود که در علم و در زمان بهم نزدیک بودند
و از اینجا بذکر کسانی میپردازیم که پیوسته بحنین بودند ، زیرا که او برهمکنان خود
ریاست داشت .

اسحاق بن حنین

ابویعقوب اسحاق بن حنین ، همانند پدرش در فضل و درستی ترجمه از زبان یونانی
و سریانی عبری بود ، و در عربیت بیش از پدر فصاحت داشت ، و بهمان خلفاء و رؤسائیکه
پدرش خدمت کرده بود ، او نیز خدمت کرده ، به ویژه ابوالقاسم بن عبیدالله . و از خاصان او
بشمار میرفت ، و ابوالقاسم اسرار خود را نزد او فاش میداشت . در اواخر عمر گرفتار
فلج شده و در همان بیماری در گذشت . وفاتش در ماه ربیع الاخر سال دویست و نود و هشت
بود ، و گذشته از ترجمه کتابهای باستانی ، این کتابها از اوست : کتاب الادویة المفردة -
علی الحروف . کتاب الکناش اللطیف . کتاب تاریخ الاطباء . کتاب الادویة المفردة .

ابوعثمان دمشقی

ابوعثمان سعید بن یعقوب دمشقی ، از مترجمان ماهر است که همیشه با علی بن موسی
بود ، و گذشته از ترجمه‌هاییکه دارد ، این کتابها از اوست ...

ساهر

نامش یوسف ، و در دوران مکتفی بود ، و این کتاب از اوست : کتاب الکناش - و
این کتاب بنام او معروف ، و بوی نسبت داده شده است

رازی

ابوبکر محمدبن زکریا رازی، از مردم ری که یگانه دهر، و فرید عصر خود در تمام علوم باستانی، بویژه در طب بود، و همیشه بسیاحت شهرستانها میرفت، و با منصوربن اسماعیل دوستی صادقانه داشت، و برای او: کتاب المنصوریه - را تألیف کرد.

محمدبن حسن وراق بمن گفت، یکی از مردمان ری که از مشایخ بزرگوار آنجا بود، در جواب سؤال من درباره رازی اظهار داشت: او پیرمردیست که سر بزرگ و گردی دارد، و هنگامیکه بمجلس درس درآید، شاگردانش زیر دست او مینشینند، و شاگردان شاگردانش پایین تر از آنها جای گیرند، سپس سائر شاگردان قرار دارند. هرگاه حاجتمندی بآن مجلس آید، باولین نفریکه برخورد کند حاجتش را در میان گذارد، اگر شنونده در آن زمینه چیزی بداند، و اگر معلوماتی نداشت، بدیگران روی آورد، و اگر از آنها نیز جوابی بدست نیاورد، خود رازی بسخن درآید و جوابش را میدهد. تفقد و مهربانی نسبت بهمه کس، بویژه فقراء و بیماران داشته، از حالشان جويا، و بعیادتشان میرفت، و مقرر یهای کلانی برای آنها گذاشته بود - و باز گوید: هیچوقت از خواندن کتاب، و نوشتن و نسخه برداری جدائی نداشت، و نشد که بر وی درآیم و او را مشغول بنوشتن و پاکنویسی نبینم. و چون زیاد باقلا میخورد، رطوبتی در دیدگانش پیدا شد که منجر بکوری او در اواخر عمر گردید، و میگفت، من فلسفه را بر بلخی قرائت داشته‌ام.

خبر فلسفه این بلخی

این شخص از مردم بلخ بود. و همیشه بجهانگردی، و مسافرت بشهرها اشتغال داشت. فلسفه و علوم باستانی را بخوبی میدانست. و گویند کتابهای فلسفه او را رازی بخود بست. و من در بسیاری از علوم چیزها بخط او دیده‌ام که همه آنها مسوده، و یا دستورهائی بود که بصورت يك کتاب تمام در دست مردم دیده نمیشد، و گویند در خراسان کتابهای او وجود دارد. و این شخص در زمان رازی بود.

مردی که بشهید بن الحسین معروف است

و کنیه اش ابوالحسن و دنباله فلسفه او را در علم داشت، و از خود تصنیفاتی دارد، و میان او و رازی مناظره‌هایی بوده، و هر يك بر دیگری ردی دارد.

تصنیفات رازی که از فهرست

خود او نقل میشود

کتاب البرهان - دو مقاله ، اولی هفده فصل ، و دومی ، دوازده فصل . (کتاب الطب الروحانی - بیست فصل) . کتاب انّ للانسان خالقا حکیما - یکمقاله . کتاب سمع الکیان - یکمقاله . کتاب المدخل الی المنطق و هوایساغوجی . کتاب جمل معانی قاطیغوریاس . کتاب جمل معانی انالوطیقا الاولی الی تمام القیاسات الحملیه . کتاب هیئة العالم . کتاب الرد علی من استقل بفصول الهندسة . کتاب اللذة - یکمقاله . کتاب فی السبب فی قتل ریح السموم اکثر الحیوان - یکمقاله . کتاب ماجری بینہ و بین سیس المنانی . کتاب فی الخریف والربيع . کتاب فی الفرق بین الرؤیا المنذرة و بین سائر ضروب الرؤیا . کتاب الشکوک علی جالینوس . کتاب کیفیات الابصار . کتاب الرد علی الناشئ فی نقضه الطب . کتاب فی ان صناعة الکیمیا الی الوجوب اقرب من الامتناع .

محمد بن اسحاق گوید : اینها از آن دوازده کتابی است که ما در جای خود یا کتابهای دیگری که او در صنعت دارد ، ذکر کرده ایم و کسی که بخواهد بر آن آگاهی یابد بمقاله دهم مراجعه کند . انشاء الله .

کتاب الباه - یکمقاله . کتاب المنصوری فی الطب - که برای منصور بن اسماعیل (بن نوح بن نصر - از ملوک خاندان سامان) ، تألیف کرد ، مشتمل بر ده مقاله . کتاب الحاوی ویسمی الجامع الحاصر لصناعة الطب - که دارای دوازده قسمت است ، قسم اول - در معالجه بیماران و بیماری . قسم دوم - در حفظ الصحة . قسم سوم - در رئه و شکست بندی و جراحی . قسم چهارم - در قوای دواها و غذاها و تمام موادیکه در طب مورد نیاز است . قسم پنجم - در ادویه مرکب . قسم ششم - در صناعت طب . قسم هفتم . در دواسازی طبی و دواجات و رنگ و طعم ، و بوی آنها . قسم هشتم - در بدن انسانی . قسم نهم - در وزن و کیل . قسم دهم در تشریح و منافع اعضاء - قسم یازدهم - در اسباب طبیعی که در صناعت طب لازم است . قسم دوازدهم - در ورود بصناعت طب ، که در دو مقاله است اولی - نامهای طبی - و دومی اوائل طب . کتاب فی استدراک ما بقی من کتب جالینوس مما لم بذکره حنین و لاجالینوس فی فهرسته ، یکمقاله . کتاب فی ان الطین المنتقل به فیه منافع ، یکمقاله . کتاب فی ان الحمیة المفرطة تضر بالابدان ، یکمقاله . کتاب فی الاسباب المميلة لقلوب الناس عن افاضل الاطباء الی اخسائهم . کتاب ما یقدم من الفواکه و الاغذیة و ما یؤخر . کتاب علی احمد بن الطیب

فيما رده على جالينوس في امر الطعم المر . كتاب الرد على المسمعى المتكلم في رده على اصحاب الهيولى ، كتاب الرد على جرير الطبيب فيما خالف فيه من امر التوت الشامى بعقب البطيخ . كتاب في نقض كتاب انا بوا الى فرفوروس في شرح مذاهب ارسطاليس في العلم الالهى . كتاب في الخلاء و الملاء و هما الزمان و المكان . كتاب الصغير في العلم الالهى . كتاب الهيولى المطلقة و الجزئية . كتاب الى ابى القاسم البلخى في الزيادة على جوابه و على جواب هذا الجواب . كتاب الرد على ابى القاسم البلخى في نقضه المقالة الثانية في العلم الالهى . كتاب الجدرى و الحصبة . كتاب الحصى في الكلى و المثانة . كتاب الى من لا يحضره طبيب . كتاب الادوية الموجودة بكل مكان . كتاب الطب الملوكى . كتاب التقسيم و التشجير . كتاب اختصار كتاب النبض الكبير لجالينوس . كتاب الرد على الجاحظ في نقض الطب . كتاب مناقضة الجاحظ في كتابه في فضيلة الكلام . كتاب الفالج . كتاب اللقوة . كتاب هيئة الكبد . كتاب النقرس و عرق المدينة . كتاب هيئة العين . كتاب الاثنيين . كتاب هيئة القلب . كتاب هيئة السماخ . كتاب اوجاع المفاصل - بيست و دو فصل . كتاب اقرا باذين . كتاب الانتقاد و التحرير على المعترلة . كتاب الخيار المر . كتاب كيفية الاغتذاء . كتاب ابدال الادوية . كتاب خواص الاشياء . كتاب الهيولى الكبير . كتاب سبب و قوف الارض و وسط الفلك . كتاب سبب تحرك الفلك على استدارة . كتاب في نقض الطب الروحانى على ابن اليمان . كتاب في انه لا يمكن ان يكون العالم لم ينزل على مثال ما نشاهده . كتاب في ان الحركة ليست مرئية بل معلومة . كتاب في ان الجسم يحترق من ذاته و ان الحركة مبداء طبيعته . كتاب في الشكوك التى على برقلس . كتاب تقسيم الامراض و اسبابها و علاجاتها على الشرح . كتاب تفسير كتاب فلوطرخس في تفسير كتاب طيماوس . كتاب نقضه على سهيل البلخى فيما ناقضه به من اللذة . كتاب في العلة التى لها يحدث الورم من الزكام في رؤس بعض الناس . كتاب في التلطف في اصال العليل الى بعض شهواته . كتاب العلة في خلق السباع و الهوام . كتاب على ابن اليمان^٢ في نقضه (نقضه) على المسمعى في الهيولى . كتاب نقض كتاب التدبير . كتاب النقض على الكيال في الامامة . كتاب اختصار كتاب حيلة البرء لجالينوس . كتاب تلخيصه لكتاب العلل و الامراض . كتاب تلخيصه لكتاب المواضع الالامة . كتاب نقض نقض البلخى للمعلم الالهى . كتاب رسالته في قطر المربع . كتاب في ان جواهر الاجسام . كتاب في السيرة الفاضلة . كتاب في وجوب الادعية . كتاب في الاشفاق على اهل التحصيل من المتكلمين و المتفلسفين . كتاب الحاصل في العلم الالهى . كتاب رسالته في العلم الالهى - نازك . كتاب دفع مضار الاغذية . كتاب على سهيل البلخى

في تثبيت المعاد . كتاب في علة جذب حجر المغناطيس . كتاب في ان النفس ليست بجسم . كتاب النفس - بزرگ . كتاب في النفس - كوچك . كتاب ميزان العقل . كتاب في السكر - دو مقاله . كتاب القولنج - يك مقاله . كتاب السكنجبين - يك مقاله . كتاب تفسير كتاب جالينوس لفصول بقراط . كتاب الفصول ويسمى بالمرشد . كتاب الابنة و علاجها . كتاب نقض كتاب الوجود لمنصور بن طلحة . كتاب فيما يرد به اظهار ما يدعى من عيوب الانبياء . كتاب في ان للعالم خالقا حكيمًا . كتاب في آثار الامام الفاضل المعصوم . كتاب في الاوهام والحركات - والعشق . كتاب في استفراغ المحمومين قبل النضج . كتاب الامام والمأموم والمحققين . كتاب خواص التلاميذ . كتاب شروط النظر . كتاب الاراء الطبيعية . كتاب ترتيب اكل الفواكه . كتاب خطأ عرض الطبيب . كتاب ما يعرض في صناعة الطب . كتاب السيرة الفاضله . اشعاره في - العلم الالهى . (نقل) كتاب الاس^١ لجابر الى الشعر . قصيدة في المنطقيات . قصيدة في العظة - اليونانية .

چيزهائى راكه رازى رساله ناميد

رسالته في التعرى والتدثر . رسالته في التركيب . رسالته في الجبر وكيف بساق اليه وعلامة الحق فيه . رسالته فيما يلصق مما يقطع من البدن وان صغر وما يلصن من الجراحات وان كبر . رسالته في تبريد الماء على الثلج وتبريد الماء يقع الثلج فيه . رسالته في المنطق . رسالته في تعطيش السمك والعلة فيه . رسالته في كيفية النحور^٢ . رسالته في العلة التي لها لا يوجد شراب يفعل الشراب الصحيح بالبدن . رسالته في غروب الشمس والكواكب و ان ذلك ليس من اجل حركة الارض بل حركة الفلك . رسالته في انه لا يتصور لمن لارياضته بالبرهان ان الارض كرية و ان الناس حولها . رسالته في فسخ ظن من توهم ان الكواكب ليست في نهاية الاستدارة . رسالته في البحث عن الارض الطبيعية هي الطين ام الحجر . رسالته في تثبيت الاستحالة . رسالته في العطش و ازدياد الحرارة لذلك . رسالته في العادة و آنها تحول طبيعة . رسالته في العلة التي من اجلها تضيق النواظر في النور و تتسع في الظلمة . رسالته في العلة التي زعم بعض الجهال ان الثلج يعطش . كتاب^٣ في اطعمة المرضى . كتاب ما استدركه من الفصل في الكلام في القائلين بحدوث الاجسام^٤ على القائلين بقديمها . كتاب في ان العلل اليسيرة بعضها اعسر تعرفاً و علاجاً من الغليظة . رسالته في العلل^٥ المشكلة . كتاب في العلة التي ترك^٦ لها بعض الناس و عوامهم الطبيب و ان كان حاذقاً . رسالته في ان الطبيب الحاذق ليس هو من قدر على ابراء

١ - ف (الاتبيين) .

٢ - ف (النحو) .

٣ - ف (رسالته) .

٤ - ش (الاسلام) .

٥ - ف (العلة) .

٦ - ف (يذم) .

جميع العلل وان ذلك ليس في الوسع . رسالته في العلل القاتلة لعظمها والقاتلة لظهورها بغتة . رسالته في ان الصانع المستغرق بصناعة معدوم في جل الصناعات الا في الطب خاصة والعلة التي من اجلها ظهر ذلك في صناعة الطب . كتاب المشجر في الطب على طريق كناش . رسالته في - العلة التي من اجلها صار ينجح جهال الاطباء والعوام والنساء في المدن في علاج بعض الامراض اكثر من العلماء و عذر الطبيب في ذلك . رسالته في محنة الطبيب و كيف ينبغي ان يكون حاله في نفسه و بدنه و شربه . مقالة في مقدار ما يمكن ان يستدرك في احكام النجوم على رأى الفلاسفة الطبيعيين ، و من لم يقل منهم ان الكواكب احياء .

فهرست رازی بهمین جا تمام میشود .

ابوسعید سنان بن ثابت بن قره حرانی

نسب پدرش را پیش از این گفته ایم . وی از طبیبان برجسته بود که القاهر ویرا باسلام دعوت نمود ، و او فرار کرد ، و سپس از ترس اسلام آورد ، و بخراسان رفت ، و پس از برگشتن ، درسال سیصد و سی و یک - اول ماه ذیحجه - دربغداد مسلمان وفات یافت . و این کتاب از اوست : کتاب

ابوالحسن بن سنان بن ثابت بن قره

طبیب حاذقی بود ، و در یازدهم ذی القعدة سال سیصد و شصت و پنج درگذشت ، و این کتاب از اوست : کتاب التاریخ - از سال دویت و نود و پنج تا زمان وفاتش .

ابوالحسن حرانی

نامش ثابت بن ابراهیم بن هارون^۱ . از طبیبان حاذق و با اصابت نظر بود ، ولی خست بسیاری در فن خود داشت . وفاتش در ... و این کتابها از اوست : اصلاح مقالات من کتاب یحیی بن سرافیون . و نقل مالبنی فیلغریوس . کتاب جوابات مسائل سئل عنها .

نام کتابهای هند در طب که بزبان

عربی موجود است

کتاب سسرده - ده مقاله ، که یحیی بن خالد دستور تفسیر آنرا بمنکه هندی در بیمارستان داد و بمنزله کناش است^۱. کتاب استانگرالجامع - بتفسیر ابن دهن. کتاب سیرک - ترجمه عبدالله بن علی از فارسی عبری ، چون در ابتدا از هندی بفارسی ترجمه شده بود . کتاب سندستاق - بمعنای زبده رستگاریها ، بترجمه ابن دهن رئیس بیمارستان . کتاب مختصر للهند فی العقاقیر . کتاب علاجات الحبالی للهند. کتاب توقشتل - در آن صد درد صد درمان است. کتاب روسا^۲ الهنديّة فی علاجات النساء . کتاب السكر للهند . کتاب اسماء عقاقیر الهند - ترجمه منکه برای اسحاق بن سلیمان . کتاب بابی الهندي فی اجناس الحيات و سمومها . کتاب التوهم فی الامراض والعلل - تألیف توقشتل هندی .

نام کتابهای فارسیان در طب

از مشاهیر طبیبان دوران پادشاهان ایران که تألیفاتشان

بما رسیده و عبری در آمده است .

تیادورس

نصرانی بود ، و شاپور ذوالاکتاف برای او کلیسائی در شهرش بنا نمود ، و بقولسی پایه گذار آن بهرام گور بوده ، و از وی این کتاب عبری ترجمه شده است : کتاب کناش تیادورس .

۱- کناش مجموعه دفتر مانندی است که فوائد پزشکی گوناگونی در آن ذکر میشود (اقربالموارد - فرهنگ نفیسی) .

۲- ش (دوینی) .

تیادوق^۱

این شخص طبیب حجاج بن یوسف بود و بملك پیوست .

۱- تیادوق از طبیبان صدر اسلام ، و در دولت اموی مشهور ، و طبیب مخصوص حجاج بن یوسف بود ، شاگردان بزرگواری داشت که بعد از وی برجستگی یافتند ، و برخی دوره بنی عباس را ادراك کردندمانند فرات بن شحناتا طبیب عیسی بن موسی که در دوران منصور وفات یافت (ر.ک. تعلیقات فلوکل ص ۱۴۷) .

هشتمین جزء

در خصوص دست‌نویس‌ها و نسخه‌ها و کتب خطی و کتب چاپی و کتب نفیسه و کتب نایاب

از

کتاب الفهرست

در اخبار

علماء در سائر علوم باستانی و جدید

تألیف

محمد بن اسحاق ندیم معروف بابوالفرج

بن ابویعقوب وراق

حکام‌خط‌المصنف
عبد محمد بن اسحاق

نمونه‌ایست از خط نویسنده نسخه

چستر بییتی و تقلیدی که از خط

مصنف کرده است

هشتمین مقاله در اینجاست

در خصوص دست‌نویس‌ها و نسخه‌ها و کتب خطی و کتب چاپی و کتب نفیسه و کتب نایاب
در خصوص دست‌نویس‌ها و نسخه‌ها و کتب خطی و کتب چاپی و کتب نفیسه و کتب نایاب
در خصوص دست‌نویس‌ها و نسخه‌ها و کتب خطی و کتب چاپی و کتب نفیسه و کتب نایاب
در خصوص دست‌نویس‌ها و نسخه‌ها و کتب خطی و کتب چاپی و کتب نفیسه و کتب نایاب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقاله هشتم - از کتاب الفهرست

در اخبار

علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر :

سه فن : فن اول

در اخبار مسامران و افسانه‌گویان و نام کتابهاییکه در اسما

و افسانه تألیف کرده‌اند

محمد بن اسحاق گوید : فارسیان اول ، تصنیف کنندگان اولین افسانه بوده ، و آنرا بصورت کتاب درآورده و در خزانه‌های خود نگاهداری. و آنرا از زبان حیوانات نقل و حکایت مینمودند . و پس از آن پادشاهان اشکانی ، که دومین سلسله پادشاهان ایرانند ، آنرا بصورت اغراق آمیزی درآورده ، و نیز چیزها بر آن افزوده ، و عربان آنرا بزبان خود

گردانده ، و فصحاء و بلغاء عرب ، شاخ و برگهایش را زده ، و با بهترین شکلی برشته تحریر درآوردند . و در همان زمینه و معانی کتابهایی تألیف کردند .

اولین کتابی که در این معنا تألیف شده ، کتاب هزار افسانه - بمعنی هزار خرافات است . و سبب تألیفش این بود که یکی از پادشاهان ، اگرنی می گرفت ، پس از یکشب که با او نزدیکی مینمود ، ویرا بقتل میرسانید ، و دختری از شاهزادگان بنام شهرزاد گرفت که بسیار خردمند و باهوش بود ، و همینکه او را بدست آورد ، آن دختر زبان بگفتن افسانه باز کرده ، و سخن را تا پایان شب رسانید ، برای اینکه پادشاه او را برای دومین شب نگاهدارد ، و باقی افسانه را از وی بشنود . هزار شب بهمین گونه سپری شد ، و در این میانه پادشاه با وی همخوابگی داشت . و همینکه خداوند پسری بوی عطا کرد ، او کودک خود را نشان داد ، و پادشاه را از افسونگری خود آگاه ساخت . پادشاه خردمندیش را پسندیده ، و او را نگاهداشت و زن قهرمانی بنام دینارزاد که همیشه با پادشاه بود در آن کارها با دختر روی موافقت نشان داده بود .

و چنین گویند که این کتاب برای لجمانی^۱ دختر بهمن تألیف گردیده ، و قصه دیگری هم در این باره نقل کرده اند .

محمد بن اسحاق گوید : صحیح این است که اول کسی که با افسانه شب زنده داری کرد ، اسکندر بود ، و گروهی داشت که ویرا خندان میساختند و افسانهها برایش میگفتند ، و او از این کار قصد لذت بردن را نداشت ، بلکه میخواست از وی محافظت و حراستی شده باشد ، و پس از او سائر پادشاهان این رویه را بکار بردند . و کتاب هزار افسانه مشتمل بر هزار شب ، و کمتر از دوست حکایت است ، زیرا چه بسا که يك حکایت در چندین شب گفته میشد و من تمامی آنرا مکرر دیده و در حقیقت کتابی یافته ام که حکایاتش خنک و بسیار بد است .

محمد بن اسحاق گوید : ابو عبدالله محمد بن عبدوس جهشیاری ، مؤلف کتاب الوزرا شروع بتألیف کتابی نمود و هزار حکایت از حکایتهای عرب ، و عجم ، و روم ، و دیگران را انتخاب کرد که هر قسمتی قائم بالذات بوده و بقسمت دیگر ارتباطی نداشت ، و افسانه گویان را جمع نمود ، و بهترین چیزهایی را که میدانستند از آنان گرفته ، و از کتابهایی که در این موضوع تألیف شده بود آنچه که پسندیده بود انتخاب کرده و چون مرد فاضلی بود توانست برای چهارصد و هشتاد شب افسانه تهیه کند که هر شبی بيك افسانه بگذرد ، و این کتاب در

۱- ف (لجمانی) ولی در تعلیقات فلوکل صفحه ۱۴۸ دارد (همائی) و این صحیحتر بنظر میآید - و در (ش) این کلمه نقطه ندارد .

پنجاه ورق ، یا بیشتر و یا کمتر بود و پیش از آنکه بآرزوی خود در اتمام آن کتاب هزار افسانه برسد ، مرگ او را ربود. و من چند جزء آنرا بخط ابوالطیب اخی الشافعی دیدم ، و پیش از وی کسانی نیز افسانه‌هایی از قول مردمان ، و کبوتران و چهارپایان ساخته بودند که از آن جمله عبدالله بن مقفع ، وسهل بن هارون (بن راهنون) ، وعلی بن داود ، کاتب زبیده ، و دیگران ، در این طبقه‌اند که ما اخبار و تصنیفاتشان را در جاهای خود در این کتاب شرح داده‌ایم ، اما دربارهٔ کلیله و دمنه ، اختلاف است . بقولی ساخته هند است که در مقدمه آن کتاب گفته شده ، و بقولی ساخته پادشاهان اشکانی است و هندیان آنرا بخود بسته‌اند ، و بقولی فارسیان آن را در آورده و هندیان بخود بسته‌اند ، و گروهی گفته‌اند که بزرگمهر حکیم پارهٔ از آنرا ساخته است . والله اعلم .

کتاب سندبادالحکیم . این کتاب در دو نسخه است ، بزرگ و کوچک . و همان اختلاف در کلیله و دمنه ، در این کتاب هم بوده ، و نظریهٔ که بیشتر بحقیقت نزدیک است ، تألیف آن از ناحیه هندیانست .

افسانه‌های فارسیان^۱

کتاب هزار داستان . کتاب بوسماس و فلوس^۲ . کتاب حجد حسروا . کتاب المرس^۳ . کتاب خزاعه و نزهة . کتاب الدب و الثعلب . کتاب روزبه الیتیم . کتاب مشک زنانه و شاه زنان . کتاب نمرود ملک بابل . کتاب حلیل و دعه^۴ .

نام تألیفات فارسیان

درباره سیرت و افسانه‌های حقیقی از پادشاهان خود

کتاب رستم و اسفندیار - ترجمه جبلة بن سالم . کتاب بهرام شوس - ترجمه جبلة بن سالم . کتاب شهریزاد مع ابروین . کتاب الکار نامج فی سیره انوشروان . کتاب التاج و ماتفائلت فیه^۵ ملوکهم . کتاب داراوالصنم الذهب . کتاب آئین نامه^۶ . کتاب خدای نامه . کتاب بهرام و نرسی . کتاب انوشیروان^۷ .

۱- ف (اسماء کتب الفرس) ش (اسمار الفرس) . ۲-۳ در متن عربی نقطه ندارد .

۴- ف (خلیل و دعه) و در ش نقطه ندارد .

۵- ف (تفائلت به) . ۶- ف (ائین نامه) .

۷- ش (انوشراوان انوشروان) .

نام کتابهای هند

در افسانه و اسرار و احادیث

کتاب کلیله و دمنه هفده بابست - و گویند^۱ هجده باب بوده که، عبدالله بن مقفع و دیگران آنرا ترجمه کرده اند، و این کتاب بشعر هم در آورده شده، و این کار را ابان بن عبدالحمید بن لاحق بن عفیر رقاشی کرده است، و علی بن داود نیز آنرا بشعر در آورده، و بشر بن معتمده ترجمه از آن دارد، که پاره از آن در دست مردم است. و من در نسخه دیدم که دو باب اضافه داشت و شاعران ایرانی این کتاب را بشعر در آورده اند که از فارسی بعربی ترجمه شده است^۲. و از این کتاب مجموعه ها و منتخباتی است، که ساخته گروهی مانند ابن مقفع. و سهل بن هارون، و سلم رئیس بیت الحکمه، و مرید الاسود بوده و این شخص آخری را متوکل در دوران خود از فارس خواسته بود و از کتابهای آنان است: کتاب سند باذالکبیر^۳. کتاب سندباذ - الصغیر^۴. کتاب البُد. کتاب بوداسف و بلوهر. کتاب بوداسف - بتنهایی. کتاب ادب الهند والین. کتاب هابل فی الحکمة. کتاب الهند فی قصة هبوط آدم علیه السلام. کتاب طرق. کتاب دیک الهندی فی الرجل والمرئة. کتاب حدود منطق الهند. کتاب سادیرم. کتاب ملک الهند القتال والسباح. کتاب شاناق فی التدبیر. کتاب اطرفی الاشرية. کتاب بیدپا فی الحکمة.

نام کتابهای روم در اسرار و تاریخ

(و افسانه و مثلهای آنان)

کتاب تاریخ الروم. کتاب سمسه و دمن. بپیکره کتاب کلیله و دمنه که برومی نامش... و بسیار سرد و بد تصنیف و تألیف شده، و گویند برخی از نوکاران آنرا تألیف کرده است. کتاب ادب الروم. کتاب مورویانوس فی الادب. کتاب انطرس السایح و ملک الروم.

- ۱- ش (ویکون) ف (وقیل).
- ۲- در متن عربی دارد (ونقل الى اللقمة الفارسیه بالعربیة).
- ۳- ش در حاشیه دارد (ومعروف است باسلم و سندباد وسدیا).
- ۴- ش در حاشیه دارد (این کتاب را اصبع بن عبدالعزیز بن سلیم سجستانی ترجمه کرد).

کتاب مجاوره الملك مع محمد عاروس . كتاب ديسون وراجيل الملكين . كتاب سماس العالم في الامثال . كتاب العقل والجمال . كتاب خبر ملك لد . كتاب سطر نيوس الملك وسبب تزويجه بسارادالفقصة .

نام کتابهای ملوک بابل

و سائر ملوک الطوائف و گفتگوهایشان

کتاب ملك بابل الصالح و ابليس كيف احتال له و اغواه . كتاب نمرود ملك بابل . كتاب الملك الراكب القصبه . كتاب الشيخ والفتى . كتاب اردشير ملك بابل و اربويه^۱ و زيوه . كتاب لاهج بن ابان . كتاب الحكيم الناسك .

نام عاشقانی که در دوره جاهلیت و اسلام

عشقبازیرها داشته و در آن تألیفاتی شده است

کتابها و اخبار این گروهی را که ذکر میکنیم ، کسانی مانند عیسی بن داب ، و شرقی بن قطامی ، و هشام کلبی ، و هیشم بن عدی ، و دیگران ، جمع و تألیف کرده اند . کتاب مرقس و اسماء . کتاب عمرو بن عجلان و هند . کتاب عروه و عفراء . کتاب جمیل و بشینه . کتاب کثیر و عزة . کتاب قیس و لبنی . کتاب مجنون و لیلی . کتاب توبه و لیلی . کتاب الصمة بن عبدالله و ریا . کتاب ابن الطثربه و حوشیه^۲ . کتاب ملهسی و تعلق . کتاب یزید و حبابه . کتاب قابوس و منیه . کتاب اسعد و لیلی . کتاب وضاح الیمن و ام البنین . کتاب امیم بن عمران و هند . کتاب باکرو و لحظه . کتاب محمد بن الصلت و جنة الخلد . کتاب العمر بن ضرار و جمل . کتاب سعد و اسماء . کتاب عمر بن ابی ربیع و جماعه . کتاب المستهل و هند . کتاب ملیکه و نعم و ابن الوزیر . کتاب احمد و داحه . کتاب فتی الکوفی مولی مسلمه و صاحبته . کتاب عمار و جمل و صواب . کتاب المغمر^۳ بن ملك و قبول . کتاب عمرو بن زید الطائی و لیلی . کتاب علی بن اسحاق و سمنه . کتاب الاحوص و عبده . کتاب بشر و هند . کتاب عاشق الکف . کتاب عاشق الصورة . کتاب عبقر و سحام . کتاب ایاس و صفوة . کتاب ابن مطعون^۴ و رتيله و سعادة . کتاب حرافة و شرق . کتاب المخزومی الهذلیه .

۱- در متن بی نقطه . ۲- ش (حوشم بن الطثریه) . ۳- ش (الغمر) .

۴- ش (ابی مطعون) .

کتاب عمرو بن القنقیر و نهد بن زیدمناة . کتاب مرة و لیلی . کتاب ذی الرمة و می .

نام سائر عاشقانی که در باره

آنان کتابی تألیف شده

کتاب سبیل و قالون . کتاب علی بن ادم و منهله . کتاب المهذب ولذة . کتاب الفضل بن ابی دلامه و کلیم^۱ . کتاب المعذب و الغواء و الطیره . کتاب سحر اللهو و سکر . کتاب ابراهیم و علم . کتاب طرب و عجب . کتاب عمرو بن صالح و قصاب . کتاب احمد و سناء . کتاب محمد و دقاق . کتاب حکم و خلد . کتاب عباد الفاتک و فنک . کتاب شغوف و عطوف^۲ . کتاب احمد و زین العصور . کتاب بشر المهلبی و بسباسه . کتاب عاصم و سلطان . کتاب ذوب و رخیم . کتاب احمد بن قتیبة و بانوجه . کتاب سهل و سلیمه . کتاب الکاتب و منی . کتاب ابی العتاهیه و عتب . کتاب عباس و فور . کتاب عاشق البقرة . کتاب عسی و سراب . کتاب عصام و دمینه . کتاب درید^۳ و الزهراء . کتاب عبدالله بن المهذب و لبنی بنت المعمر .

نام پریوشان هوس پرور^۴

کتاب ریحانه و قرنفل . کتاب رقیه و خدیجه . کتاب مؤیس و ذکیا . کتاب سکینه و الرباب . کتاب العطریفة و الدلفاء . کتاب هندو ابنة النعمان . کتاب عبدة العاقلة و عبدة الغداره . کتاب لؤلؤ و شاطره . کتاب نجده و زعوم . کتاب سلمی و سعاد . کتاب صواب و سرور . کتاب الدهماء و نعمه .

نام عاشقانی که حکایاتشان در

افسانه های شب آمده

کتاب صاحب بشر بن مروان و ابنة عمه . کتاب الکلبي و ابنة عمه . کتاب التمیمی و التمیمية الذین تعاهدوا . کتاب المصری و المکیة . کتاب عبدالله بن جعفر و الشجرة المكتوبة

۱- ش (حلیم) . ۲- ف (شعوب و عطرق) .

۳- ف (مرید) . ۴- در متن دارد (الحبائب المتطرفات) .

۵- ف (خارجه) .

عليها. كتاب الوجيهة والاعرابى . كتاب اسماء بن جارحة الفزارى . كتاب مالك بن اسماء و صاحبة الحص . كتاب عباس الجنفى والتى رماها . كتاب الجارية و مولاها و عبیدالله بن معمر . كتاب عبدالرحمن بن الحكم بن حسان الاسدى و سعد صاحبى الفار . كتاب الفتى و المرئة التى رمت بالحصاة . كتاب الرباب و زوجها الذين تعاقدوا . كتاب سليمان و عنوان وشييان . كتاب سليمان بن عبدالملك و الجارية و طفلها . كتاب المرئة و اخوتها و الرجل الذى هواها . كتاب الاعرابى و ابنة عمه - كتابى ديگر است . كتاب عبدالملك و الكلبى صاحب خالد بن الوليد . كتاب الزهرى و ابنة عمه الذين ساروا الى هشام بن عبدالملك . كتاب ديار و ظمياء . كتاب ملك العيار و ابنة عمه . كتاب عنمة و ازهر و عمر و الملك . كتاب الكرد و حية و ابنة الكاهن . كتاب الاخوين العراقى و المدنى . كتاب المعلى و سينا . كتاب المتجرد فى النساء . كتاب بدر و سادن^۲ . كتاب حبيب العطار . كتاب حسن و اللص الاسرائيلى . كتاب حافيه ابنة هاشم الكندى . كتاب المؤمل بن الشريف و الصورة و مطعون الجنى . كتاب عامر و دعد جارية خالصه . كتاب عروة بن عبديالليل الطائى و ابنة عمه . كتاب الفتى العاشق و صاحبه . كتاب المخنث و الفتاة التى عشقته . كتاب الفتى العاشق و هند المستعجله . كتاب الفتى العاشق الست و ذات الخال . كتاب الفتى الاحمق و شمس عاشقته . كتاب العاشق المجنون و سلم و جاريتها المخبله^۳ .

نام آدميزادانیکه عاشق جنیان

و جنیانیکه عاشق آدميزاده شدند

كتاب دعد و الرباب . كتاب رفاعة العبسى و سكر . كتاب سعسع و قمع . كتاب ناعم بن دارم و رحيمه و شيطان الطاق . كتاب الاغلب و الدباب . كتاب الضرغام و حودر و فوس . كتاب عمرو و دقيانوس . كتاب الشماخ و دمع . كتاب الخزر جى المحتمل و اسما . كتاب الحصن^۴ بن النبهان و الجنية . كتاب الدلفاء و اخوتها و الجنى . كتاب دعد الفزارى و الجنى و عمروه . كتاب عمر بن سفيان السلمى و الجنيه : كتاب عمرو بن المكشوح و الجنية . كتاب ربيعة بن قدام و الجنية . كتاب سعد بن عمير و النوار .

محمد بن اسحاق گوید: افسانه و اسمار در دوران خلفاء بنى عباس، بویژه دوره مقتدر بسیار مورد رغبت و ذوق مردم بود، و بهمین جهت و راقبان بتصنيف پرداخته، و دروغها

۱- ف (خارجہ) .

۲- ف (بدن و شادن) .

۳- ف (المخيلة) .

۴- ف (حضر) .

بافتند ، و بیشتر از همه مردی معروف بابن دلان ، بنام احمد بن دلان ، در این کار دست داشته ، و ابن عطار هم از آن جمله بود . و ما آن کسانی را که از زبان حیوانات افسانه و اسماری داشتند ، مانند سهل بن هارون ، و علی بن داود ، و عتابی ، و احمد بن طاهر را پیش از این گفته ایم .

کتابهاییکه در عجائب دریا و غیره

تألیف شده

و آن کتابیست معروف ، بکتاب صخر المغربی ، مؤلفش ۱۰۰۰۰ و مشتمل بر سی حدیث است که دهتای آن در عجائب زمین ، و دهتای آن در عجائب درخت ، و دهتای دیگر در عجائب دریاست . کتاب واثله بن الاسقع . کتاب السمیفع بن ذی ترحم الجمیری والعتوف^۲ بنت زید . کتاب الشیخ بن الشاب .

کتاب صخر المغربی

کتاب السمیفع بن ذی ترحم الجمیری

کتاب واثله بن الاسقع
کتاب الشیخ بن الشاب
کتاب صخر المغربی
کتاب السمیفع بن ذی ترحم الجمیری
کتاب العتوف
کتاب بنت زید

کتاب العتوف و العتوف بن ذی ترحم الجمیری
کتاب بنت زید

۱- ف اشاره بجای خالی ندارد . ۲- ف (والعتوف) .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فن دوم - از مقاله هشتم

از کتاب الفهرست :

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

اخبار دعانویسان و شعبده‌بازان و ساحران و صاحبان

نیرنگ و افسون و طلسمات

محمد بن اسحاق گوید : دعانویسان و ساحران عقیده دارند که شیاطین و جنیان و ارواح فرمانبردارشان بوده. و خدمتگزار ایشان و تحت امر و اراده‌شان میباشند. اما دعانویسانی که گروندگی بکیش و آئینی دارند چنین پندارند که آن‌کارها بوسیله اطاعت از خداوند متعال ، و توسل به او ، و قسم دادن ارواح ، و شیاطین بنام او ، و ترك شهوت ، و ملازمت عبادت ، بدست آید ، و جنیان و شیاطین یا برای اطاعت از خداوند که بنام او قسم داده شده‌اند ، و یا برای بیم و هراسی که از خدا دارند ، سر اطاعت در مقابلشان

فرود آرند ، برای آنکه در اسماء باریتعالی خاصیت و اثریست که موجب نابودی و خواری آنها میگردد .

اما ساحران : گمان دارند از راه قربانیها ، و گناهکاریها ، و کارهای زشتی که خدا خواستار ترك آنها ، و شیاطین عمل کردن بآنها را خواستارند ، مانند ترك نماز ، و روزه ، و اقدام بآدم کشی ، و نکاح محرّمات ، و سائر کارهای شرارت آمیز ، شیاطین را بنده و فرمانبردار خود کرده اند . و این کارها در مصر و حول و حوش آن آشکار و کتابهای آن بسیار ، و در دست همه بوده . و سرزمین مصر ، بابل ساحران بشمار میرود ، و کسی که آنجا را دیده بمن گفت هنوز مردان و زنان ساحر در آنجا وجود دارند . و تمام دعانویسان و ساحران گمان دارند که انگشترها ، ودعاها ، و افسونها . و صندلها^۱ و حربهها ، و بخورها ، و چیزهای دیگری دارند که در علوم خود آنها را بکار برند .

حکایت دیگر

گروهی از فلاسفه ، و ستاره پرستان چنین پندارند که عمل طلسماترا بوسیله رصد کواکب انجام میدهند ، و آنرا برای تمام خواستههای خود از کارهای شگفتی بخش ، و تهیجات ، و عوطف ، و تسلط بر دیگران بکار می برند . و نقشهائی برسنگها و مهرهها و نگینها دارند ، و این علم در میان آن فلاسفه هویدا و آشکار است .

هندیان نیز معتقد بسحر بوده و کارهای عجیبی از خود نشان دهند ، چینیان راههای دیگری را در افسون و سحر میپیمایند . و هندیان علمی در خصوص توهم دارند ، و کتابها در آن تألیف کرده اند که پاره از آنها بعربی ترجمه شده است ، ترکان نیز از سحر بهره دارند ، و کیسکه اعتماد بفضالش دارم بمن گفت : ترکها برای شکست دادن قشون ، و نابودی دشمنان خود ، و گذشتن از رودها ، و طی مسافتهای دور ، بمدت بسیار کم ، کارهای شگفت-انگیزی مینمایند .

در سرزمین مصر و شام طلسماتی فراوان ، و اشخاصش نمایانند منتهی در اثر مرور زمان ، دیگر کسی پیرامون آن کارها نمیکرد .

۱- صندل - بفارسی (چندن) و نام چوب خوشبوئی است (منتهی الارب) .

سخن درباره راههای پسندیده

دعانویسی

گویند - و خداوند داناتر و حکیمتر است - که سلیمان بن داود علیه السلام ، اول کسی است که جنیان و شیاطین را ببندگی و خدمت خود درآورد . و بقولی ، اول کسیکه آنها را ببندگی درآورد ، بنا بعقیده ایرانیان ، جمشید پسر اونجهان بود^۱ ، و گویند^۲ ، برای سلیمان بن داود ، اصف بن برخیا ، که پسر خاله سلیمان بود ، عبری ، و یوسف بن عیصو نیز ، عبری ، و هر مزان بن کردول ، بفارسی و عبری مینوشتند .

نام عفریتانی که بر سلیمان بن

داود در آمدند

و هفتاد نفر بودند ، و عقیده دارند که سلیمان بن داود - صلی الله علی نبینا و علیما السلام بمجلس خود در آمد ، و رئیس جنیان و شیاطین را ، بنام فقطس احضار کرده و آنها را ، سان دید ، فقطس از نام یکایک آنان ، و کارهاییکه بر سر فرزندان آدم آوردند ، ویرا آگاه ساخت . و اوعهد و پیمانی با آنان بست که هر گاه آنانرا بآن عهد و میثاق سو گند داد ، جواب دهند و روانه شوند ، و آن عهد ، اسامی خداوند متعال بود . و آن شیاطین چنین نامیده میشدند - فقطس ، عمرد ، کیوان ، شمرعال ، فیروز ، مهاقال ، ذیزب ، سیدوک . حبذرب ، سیار ، زنبور ، راحس ، کوکب ، حممران ، داهر ، قارون ، شداد ، صعصعه ، بکتان ، هرثمه ، بکلم ، فروخ ، هرمرز ، همهمه ، عیزار ، مزاحم ، مرء ، فتره ، هیم ، ارهبه ، خیشع ، خیفته ، ریاح ، زحل ، ذویعه ، محتوکررا ، هیشب ، طمعیطان . وقاص ، قدمنه ، مفرش ، ابرایل ، نزار ، شغطیل ، دیوید ، انکرا ، خطوفه ، تنکیوش ، مسلقر ، قادم ، اشجع ، نودر ، تیشامه ، عصار ، ثعبان ، نامان ، نمودرکی ، طبابور ، ساهتون ، عذافر ، مرداس ، شیطوب ، زعروش ، صخر ، عرمرم ، خشوم ، شاذان ، حرث ، حویرث ، عزره ، فقرون .

۱- رجوع شود بصفحه ۴۳۴ این کتاب .

۲- در متن عربی (وقال) ولی ظاهراً (وقیل) باشد .

نام هفت نفری که اینان

از فرزندانشان بودند

اولی دنهش - روز اول . شاخبا - روز دوم . مربیا - روز سوم . عبرا - روز چهارم .
مسمار - روز پنجم . نمودرکی - روز ششم . نجطس - روز هفتم .

اریوس رومی

اریوس پسر اصطفانوس پسر بطلمینس رومی ، ملقب - برشید قوم خود - از علماء
رومیان در دعا نویسی بوده ، و از کتابهای اوست : کتاب ین ذکر فیه اولاد ابلیس و تفرقههم
فی البلاد وما یختص به کل جنس منهم فی العلو و الارواح و الاستهلاکات و الافعال و انساب الجن .

لوهق

لوهق پسر عرفج ، از قدماء بوده ، و این کتاب از اوست : کتاب طبائع الجن و
موالیدهم ، و مؤاخیدهم و الارواح الصارعه . و این کتاب بزرگتر از کتاب اریوس رومیست .

و از متأخران - ابن هلال

نامش ابونصر احمد بن هلال البکیل و هلال پسر خدمتکاری بوده ، و هموست که در
اسلام دری برای اینکارها گشوده و جنیان خدمتش مینمودند ، و با وی سخنگویی داشتند .
ویرا کارهایی شگفت انگیز ، و رفتاری نیکو بود ، و نگینهای مجربی داشت . و این کتابها
از اوست : کتاب الروح المتلاشیه . کتاب المفاخر فی الاعمال . کتاب تفسیر ما قالته الشیاطین
لسلیمان بن داود صلی الله علی نبینا و علیهما السلام و ما اخذ علیهم من العهود .

ابن امام

از دعانویسانی که با سامی خداوند متعال کار میکرد ، مردیست معروف با بن امام ،
که در دوران معتضد بود ، و طریقه خوبی پیش گرفته بود که قابل مذمت نبود .

عبدالله بن هلال^۱ ، و صالح مدیبری ، و عقبه اذرعی ، و ابو خالد خراسانی ، گروهی هستند که طریقه خوبی را پیش گرفته‌اند . و کارهایی شایسته ، و رفتار شرافتمندانه دارند .

ابن ابورصاصه

ابوعمر و عثمان بن ابورصاصه ، از کسانی است که من ویرا دیده‌ام ، و در هنر خود برجستگی دارد . روزی بوی گفتم ، من تو را شایسته‌تر از آن دانم که باین گونه کارها دست بیالائی ، گفت ، سبحان الله ، من الان ، از هشتاد و اندی سال بیشتر عمر کرده‌ام ، و اگر میدانستم که این کار حقیقتی ندارد ، دست از آن برمیداشتم ، ولی من شك و تردیدی در صحت آن ندارم ، بوی گفتم بخدا سوگند رستگار نخواهی شد ، و او تألیفات بسیاری دارد ، و کارهایش خوب است ، و صاحبان این هنر عقیده ببردتری و برجستگی او دارند .

سخن درباره طریقه نکوهیده

طریقه نکوهیده این کارها را ساحران دارند ، و سخن گویانشان چنین پندارند که بیدخ ، دختر ابلیس ، و بقولی ، دختر پسر ابلیس . تختی بر روی آب دارد ، و کسیکه خواهان این کارهاست . هر وقت برای او کاری چنانچه خواسته ، بدلخواهش انجام دهد ، باو میرسد و خواسته‌های خود را از وی بدست آورد ، و نیازمندیهایش برآورده شود و از وی حجایی نخواهد داشت ، از این جمله کسانی هستند که برای وی حیوانات ناطق و غیرناطق قربانی کنند ، واجبات دینی را کنار گذارند ، و مرتکب کارهایی شوند که عقل آن را قبیح شمارد . و بقولی این بیدخ ، خود ابلیس است . و دیگری گوید که ، بیدخ بر تخت خود نشیند ، و مریدان را بنزد او برند تا در مقابل وی بسجده در آیند .

– بزرگست خداوند گاریکه نامهایش مقدس است .

یکی از همین مردمان بمن گفت ، بیدخ ، را بخواب دیدم که بهمان کیفیت بیداری ، بر تخت خود نشسته ، و در اطرافش گروهی را بسیاهی نبطیان دیدم که از برهنه پائی ، پاشنه‌هایشان شکاف برداشته بود ، و میگفت ، ابن منذرینی را هم در میان نشان دیده است . و این مردیکه نامبرد ، از بزرگان ساحران ، و همزمان با ما بوده ، نامش احمد بن جعفر

۱- ش در بالای این نام بخط ریز دارد (الاول اصح فی نسبه) .

غلام ابن زریق است . و از زیر طشت با وی سخن گویند .

خلف بن یوسف دستمیسانی

از جمله آن مردمان ، و بگفته برخی از پیروانش بنام ابن قنان ، این کتابها از اوست : کتاب ...

حماد بن مره یمانی

از آن مردم است ، و بگمان خود ، از زرقاء ساحره روایت میکنند . و این کتاب از اوست : کتاب التماثل .

حریری

ابوالقاسم فضل بن سهل بن فضل ، از آن مردمان بود ، و این کتاب از اوست : کتاب الحلولات والربوطات و العقد والادارات .

ابن وحشیه کلدانی

ابوبکر احمد بن علی بن مختار بن عبدالکریم بن جرثیا بن بدنیا بن برسافیا بن عالطیا ، کسدانی صوفی ، از مردم قسین^۱ است و ادعا داشت که ساحر است و طلسم میسازد و کیمیا دارد . و ما در آخر این کتاب - در صنعت کیمیا - ذکری از وی خواهیم کرد ، و معنی کسدانی نبطی است^۲ که اولین ساکنان روی زمین از نژاد سنحاریب^۳ بودند . و در طلسمات و سحر این تألیفات را داشت : کتاب طرد الشیاطین - معروف بالاسرار . کتاب السحر الکبیر . کتاب السحر الصغیر . کتاب دوار علی مذهب النبط که آنرا بشعر در آورده^۴ . کتاب مذاهب الکلدانین فی الاصنام . کتاب الاشارة فی السحر . کتاب اسرار الکواکب . کتاب . کتاب الفلاحة الکبیر والصغیر . کتاب حناطوئی اباعی الکسدانی فی النوع الثانی من الطلسمات - که ابن وحشیه آنرا ترجمه کرده است . کتاب الحیوة والموت فی علاج الامراضی الراهطین سموطان الکسدانی . کتاب

۱- قسین - با ضمه و بعد کسره و تشدید سین ، دهی است از نواحی کوفه (معجم البلدان).

۲- رجوع کنید بصفحه ۱۹ این کتاب .

۳- سنحاریب پادشاه آشور (۷۰۵-۶۸۱ ق. م) پسر سرجون دوم و جانشین او (اعلام

المنجد) . ۴- ف (هوتسع مقالات) ش (وهو بشعر قاله) .

الاصنام . کتاب القرايين . کتاب الطبيعه - از خود او - کتاب الاسما از خود او کتاب مفاوضاته مع ابي جعفر و الاموى و سلامة بن سليمان الاخميمى فى الصنعة والسحر .

ابوطالب

احمد بن حسين بن على بن احمد بن محمد بن عبد الملك زيات ، مصاحب ابن وحشيه ، و کتابهای او را روایت مینماید ، و در این وقت حیاة دارد . و بگمانم در همین نزدیکیها وفات یافته است .

سخن درباره شعبده و طلسمات

و نیرنگات

اولین شعبده باز در اسلام ، عبد الكيس . و یکنفر دیگر بنام قطب الرحا بودند و تألیفاتی در این موضوع دارند که از آن جمله است : کتاب الشعبة - تألیف عبد الكيس . کتاب الخفة والدك والقف - تألیف قطب الرحا . کتاب بلع السيف والقضيب والحصى والسبح واکل الصابون والزجاج والحيلة فى ذلك . کتاب المخرفة - تألیف عبد الكيس . و آخرین نفری که باچالاکی و تردستی بازی میکرد و ما او را دیده ایم ، منصور ابوالعجب بود که هنگام مرگ یکصد و پانزده سال داشت . و میگفت در مقابل معتمد بازی کرده است .

قالستانس

از قدیمیان است ، و درباره خواص اشیاء و نیرنگات و طلسمات سخنانی دارد ، و این کتاب از اوست : کتاب الجامع فى النیرنجات والخواص .

بلیناس حکیم

از مردم طوانه^۱ از شهرستانهای روم است ، و گویند او اول کسی است که درباره طلسمات سخنانی درآورد ، و کتابش در کارهایی که از طلسمات ، در شهر خود و سایر ممالک نموده ، معروف و مشهور است .

۱ - طوانه ، دزی در کبلوقیه (اناطولی) است که عبد الملك در سال ۷۰۷ م از دست رومیان درآورده و او در تصرف عرب باقی نماند تا سال ۸۰۶ م که رشید بر آن استیلا یافت (اعلام المنجد) .

اروس رومی

و این کتاب از اوست : کتاب النیر نجات .

سسه هندی

از قدیمیان است و رویه هندیان را در نیرنگات داشت و کتابی دارد که در آن از مسلك اصحاب توهم پیروی کرده است .

کتابهای هرمس در نیرنگات

و خاصیت آنها و طلسمات

کتاب هرمس فی النشر والتعاویند والعزائم . کتاب الهاریطوس فی نیر نجات الاشجار والثمار والادهان والحشائش . کتاب فریقونیوس فی الاسماء والحفظه والتمائم والعود - من حروف الشمس والقمر والنجوم الخمسة و اسماء الفلاسفة . کتاب فریقونیوس فی الخواص - و آن را بسه جزء در آورده ، و هر جزئی مشتمل بر معنائی است .

بسم الله الرحمن الرحيم

فن سوم - از مقاله هشتم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

کتابهاییکه در معانی گوناگونی تألیف شده و مؤلفان

شناخته نشده‌اند

نام افسانه‌هایی که بلقب معروف بوده

و چیز دیگر در این باره ندانیم

کتاب شکبده . کتاب کعب صب . کتاب صلح الدیر . کتاب خمج . کتاب عاشق البقرة .
کتاب حره الريح . کتاب سعده . کتاب حدیثه . کتاب جبل مشق . کتاب زنقطه^۱ . کتاب رقاصه

کتاب سکن . کتاب خراء الطير . کتاب بثلب^۱ . کتاب صغيره^۲ . کتاب طعنه الصراخ^۳ . کتاب برص . کتاب ری . کتاب حراره . کتاب رخیه . کتاب حوشق^۴ . کتاب قور . کتاب بلب . کتاب حبی و علمه . کتاب جلبذه .

یاوه گوئیهاییکه که مؤلف

آن معلوم نیست

کتاب حوشب الاسدی . کتاب عروة بن عبدالله . کتاب الغاضری . کتاب ابی السائب - المخزومی . کتاب ابی عمر الاعرج . کتاب ضمضم المدیننی . کتاب قلو ص . کتاب ابی سکه . کتاب مسرور الاوسی . کتاب ابی معن الفغاری . کتاب الدارمی . کتاب ابن احمر . کتاب عقریط . کتاب حطمی الدلال . کتاب ابی الحر المدیننی . کتاب فند . کتاب هبة الله . کتاب نومة الصخی . کتاب ابن الشونیزی .

نام گروهی از احمقان که در نوادرشان^۵

تألیفاتی شده و مؤلف معلوم نیست

کتاب نوادر حجا . کتاب نوادر ابی ضمضم . کتاب نوادر ابن احمر . کتاب نوادر سورة الاعرابی . کتاب نوادر ابن الموصلی . کتاب نوادر ابن یعقوب . کتاب نوادر ابی عبیدالحزمی . کتاب نوادر ابی علقمه . کتاب توادر سیفویه .

کتابهایی که در باره ایرانیان و هندیان و رومیان

و عربان شهوت انگیزانه تألیف کرده اند

کتاب بنیان^۶ دخت . کتاب بنیان^۷ نقش . کتاب بهرام دخت فی الباه . کتاب مرطوس

۱- ف (ثلب) . ۲- (صعیده) .

۳- ش (الصراخ) . ۴- ف (جوسق) .

۵- (نوادر بچیزهای عجیب و شگفتی گویند (فرهنگ نفیسی) .

۶ و ۷- در - ش - بی نقطه .

الرومی فی حدیث الباء . کتاب الالفیة الکبیر^۱ . کتاب الالفیة^۲ الصغیر . کتاب بردان و حجاج
لابی حسان الکبیر . کتاب بردان و حجاج الصغیر . کتاب الحرة والامة . کتاب السحاقات
والبغاسر^۳ - تألیف ابوعبس . کتاب الفه ابن حاجب النعمان ، و يعرف بحدیث ابن الدکانی .
کتاب لعوب الرئیسة وحسین اللوطی . کتاب الجوارى الحباب .

کتابهای ایرانیان و هندیان و رومیان و عربان

در تخیلات درونی و حرکات مژه و ابرو و خالهای

بدن و شانها و تألیفاتی که در فال و پیشگوئی

و غیره دارند

کتاب منحول الفراسه - تألیف ارسطو . کتاب الفراسه - تألیف قلیمون . کتاب فراسه -
الحمام . کتاب زجر الفرس . کتاب زجر الهند . کتاب زجر الروم . کتاب زجر العرب . کتاب
الخیلان - از مینس رومی . کتاب الشامات - از مینس رومی . کتاب الفال لاهل فارس .
کتاب خطوط الکف والنظر فی الید - از هندیان . کتاب الاختلاج علی ثلاثة اوجه - از ایرانیان .
کتاب زجر الطیر و الفال و العیافة و القیافة و الکهانہ - از مدائنی . کتاب الفال الفلکی -
از کندی . کتاب الاختلاج و الزجر و ما یری الرجل فی ثیابه و جسده و صفة الخیلان و علاج
النساء و معرفة ما یدل علیه الحیات . کتاب قرعة ابن المرتحل الکبیرة . کتاب قرعة ابن -
المرتحل الصغیرة . کتاب فیثاغورس فی القرعة التي یقترع بها عند کل حاجة . کتاب قرعة
ذی القرنین . کتاب قرعة الفتها النصارى . کتاب قرعة منسوبة الی دانیال . کتاب قرعة منسوبة
الی الاسکندر بالسهام .

کتابهاییکه درسوارکاری^۴ و برداشتن اسلحه و آلات جنگی و تدبیر

بکار انداختن آنها تألیف شده و همه ملل از آن پیروی دارند

کتاب آئین^۵ الرمی . از بهرام گور ، و بقولی از بهرام چوبین . کتاب آئین^۶ الضرب
بالصوالجه - از ایرانیان . کتاب تعبیه الحروب و اداب الاساوره و کیف کانت ملوک الفرس تولی

۱-۲ ش (الاکفیه) . ۳- ش (والبغائین) .

۴- در متن عربی (فی الفروسیه) که در لغت بمعنی مهارت در اسب سواری و شناختن

اسب است و ما برعایت اصطلاح امروز ، بسوارکاری تعبیر نمودیم (ر.ک. منتهی الارب) .

۵ و ۶- ف (اثنین) .

الاربعة الثغور من الشرق والغرب والجنوب والشمال . كتاب الحیل - از هرثمی شعرانی^۱ درباره جنگ ، که برای مأمون تألیف کرد ، و خوب از عهده برآمد - در دومقاله ، مقاله اول درسه جزء و جزء اول بیست باب ، مشتمل بر دو بیست و شصت و چهار مسئله . جزء دوم ، هفت باب در چهل و دو مسئله ، جزء سوم ، بیست و چهار باب مشتمل بر چهل و چهار مسئله . و مقاله دوم ، در سی و شش فصل ، و دو بیست باب^۲ .

كتاب عبدالجبار بن عدی لمنصور فی آداب الحروب و صورة العسكر . كتاب الاشمیطی فی الفروسية . كتاب ادب الحروب و فتح الحصون و تربیص الکمین و توجيه الجواسیس و الطلائع و السرایا و وضع المسالِح - ترجمه ایست از کارهایی که برای اردشیر بن بابک شده . كتاب با جهر الهندي فی فراسات السیوف و نعتها و صفاتها و رسومها و علاماتها . كتاب السیوف التي كانت عند العرب و اصناف ذلك . كتاب شاناق الهندي فی امر تدبیر الحرب و ما ینبغی للملك ان یتخذ من الرجال و فی امر الاساور و الطعام و السم . كتاب العمل بالنار و النفط و الزرافات فی الحروب . كتاب الدبابات و المنجنیقات و الحیل و المکید - و این را بخط ابن حفیف دیده ام .

کتابهایی که در بیطاری و معالجه چهار پایان

و صفات اسب و انتخاب آنها تألیف شده

كتاب ابن اخی حزام فی البیطرة - برای متوکل تألیف کرد . كتاب الفه حکیم من حکماء الروم فی علاج سائر الدواب . كتاب البیطرة - تألیف سموس ، یک مقاله آن موجود است . كتاب الخیل و علی ای نعت و صفة شیة افره ما یكون من الخیل . كتاب ارتباط الخیل - مؤلفش شناخته نشد . كتاب نقله اسحاق بن سلیمان للفرس فی علاج سائر الدواب و الخیل و البغال و البقر و الغنم و الابل و معرفة ثمنها و رسومها . كتاب البیطرة للحصیبی - شناخته نشد . كتاب البیطرة للروم . كتاب البیطرة للفرس .

۱- ش (الحیل الیهرثمی الشعرانی) .

۲- در نسخه خطی شهید علی پاشا این دو مقاله کنار هم و محتویات هر یک بطور عمودی نوشته شده که فلوکل توجه نکرده و آنرا افقی خوانده و بدین جهت در هم مندمج گردیده و جزء اول که مربوط باجزاء سه گانه مقاله اول است پس از مقاله دوم ذکر شده است (ر . ک . ص ۳۱۴ فلوکل - یا - ۴۳۷ چاپ مصر در سال ۱۳۴۸) .

کتابهاییکه ایرانیان و رومیان و ترکان و عرب

درباره مرغان شکاری و شکار با آنها و بهداشت

آنها تألیف کرده‌اند

کتاب الجوارح - تألیف محمد بن عبدالله بن عمر با زیار . کتاب البزاة للفرس . کتاب البزاة للترك . کتاب البزاة للروم . کتاب البزاة للعرب . کتاب الجوارح واللعب بها - تألیف ابودلف قاسم بن عیسی .

نام کتابهاییکه ایرانیان و رومیان و هندیان

و عرب در مواعظ و آداب و حکم تألیف کرده‌اند

خواه مؤلف معلوم یا مجهول باشد

کتاب زادانفروخ^۱ - فی تأدیب ولده . کتاب مهراذ و حسیس الفرمدار^۲ الی بزرجمهر بن المنکان^۳ که اولش این است : هیچ دو نفری نیست که در نظریه باهم ستیزه کنند و یکی بخطا و دیگری بصواب باشد . کتاب سیروس^۴ فی الادب . کتاب بروسن فی تدبیر المنزل . کتاب ابراهیم بن زیاد فی الادب للمهدی^۵ . کتاب محمد بن اللیث الی الرشید یعظه . کتاب محمد بن اللیث الی یحیی بن خالد . کتاب الرد علی الزنادقه - مؤلفش شناخته نشد . کتاب عهد کسری الی ابنه هرمرز یوصیه حین اصفاه الملك وجواب هرمرزایاه . کتاب ملك من الملوك الخالیه الی ابنه فی التأدیب . کتاب عهد کسری الی من ادرك التعليم من بنیه^۶ . کتاب ملك صالح من الملوك فيه جماع روؤس امور الملوك التي تدور علیها سیاستها . کتاب عهد اردشیر بابکان الی ابنه سابور . کتاب مؤبدان مؤبد فی الحکم والجوامع والاداب . کتاب عهد کسری انوشروان الی ابنه ، الذي یسمى عش البلاغه^۷ . کتاب مسائل استرعا یحس العالم والجواب عنها . کتاب الملك ذی الشیبه و ماجری بینہ و بین و زرائه و اهل مملکتہ من المحاوره .

۱- ف (زادانفروخ) .

۲- ف (الموبدان) .

۳- ف (البختکان) .

۴- ف (بفروس) .

۵- ش (فی الادب المهدی) .

۶- ف (من بیته) .

۷- ف (عین البلاغه) .

كتاب ما كتب به كسرى الى المرزبان^١ واجابته اياه . كتاب حديث اليأس والرجاء والمحاورة التي جرت بينهما . كتاب الملك والمرأة التي علقها بين السماء والارض يستظل تحتها الف فارس . كتاب المسائل التي انفذها ملك الروم الى انوشروان على يد بقراط الرومي . كتاب ارسال ملك الروم الفلاسفة الى ملك الفرس يسئله عن اشياء من الحكمة . كتاب الفيلسوف الذي بلى بالجارية قيطر وحديث الفلاسفة في امرها . كتاب الملك الذي اشار عليه احد وزرائه بالنوم والآخر باليقظة . كتاب ما امر اردشير باستخراجه من خزائن الكتب التي و صفها الحكماء في التدبير . كتاب حديث السمع والبصر . كتاب الملك والضرتين والوزراء . كتاب امرأتى الملك احدهما تفضل الغلمان والآخرى الجوارى وكلام الفلاسفة في ذلك . كتاب الهنديين الجواد والبخيل والاحتجاج بينهما وقضاء ملك الهند في ذلك . كتاب سكر سري بن مردبود لهرمز بن كسرى ورسالة كسرى الى جواسب وجوابها . كتاب كسرى الى زعماء الرعية في الشكر . كتاب اروى وذكر دبرها وما تكلمت به من الحكمة . كتاب نوادر ميمون بن ميمون في الادب . كتاب حمزة بن عفيف في سيرة ذي اليمينين . كتاب ادب مسعدة الكاتب . كتاب العرزمي في الادب بنوادر وشعر . كتاب آداب عافية بن يزيد القاضي . كه براى اسحاق بن عيسى بن على الهاشمى نوشت . كتاب آداب ابراهيم بن المهدي . كتاب آداب كلثوم بن عمرو العتابي . كتاب آداب عبدالله بن المعتز . كتاب شاناق الهندي في الادب - پنج باب . كتاب سيرتنامه - تأليف حداهود بن فرخزاد - كه كتابيست در اخبار وحكايات . كتاب على بن زين الانصارى في الادب والامثال على مذاهب الفرس والروم والعرب . كتاب ترجمته نوادر اهل الشرفيه و نوادر اوساط الناس و نوادر السفلة والوضعاء .

کتابهاییکه در تعبیر خواب

تألیف شده

كتاب ارطاميدورس في الرؤيا - پنج مقاله . كتاب النوم واليقظة - تأليف فرفور يوس . كتاب ابي سليمان المنطقي في الانذارات النومية . كتاب الفه ابراهيم بن بكوس في الرؤيا . كتاب تعبیر الرؤيا - تأليف ابن سير بن . كتاب تعبیر الرؤيا - تأليف فيريانى ، قصة است . كتاب تعبیر الرؤيا - تأليف ابن قتيبيه . كتاب تعبیر الرؤيا على مذاهب اهل البيت عليهم السلام (مؤلفش ...) كتاب تعبیر الرؤيا لاهل البيت -- نازك .

کتابهاییکه در عطریات تألیف شده

کتاب العطر - برای یحیی بن خالد تألیف شد . کتاب العطر - تألیف ابراهیم بن عباس .
کتاب العطر - تألیف کندی . کتاب کیمیاء العطر - تألیف کندی . کتاب العطر - مؤلفش شناخته
نشد . کتاب آخر مجهول فی العطر والترکیبات . کتاب العطر - تألیف حبیب عطار . کتاب
العطر واجناسه - تألیف مفضل بن سلمه . کتاب العطر واجناسه ومعادنه - تألیف مرد کوهستانی
نامش ...

کتابهاییکه در طبیخ^۱

تألیف شده

کتاب الطبیخ - تألیف حارث بن یسخر^۲ . کتاب الطبیخ - تألیف ابراهیم بن مهدی .
کتاب الطبیخ - تألیف ابن ماسویه^۳ . کتاب الطبیخ . - تألیف مخبره . کتاب الطبیخ - تألیف
احمد بن طیب . کتاب الطبیخ - تألیف ابراهیم بن عباس صولی . کتاب الطبیخ - تألیف علی بن -
یحیی منجم . کتاب الطبیخ - تألیف جحظه . کتاب السکباج - از خود او . کتاب الطبیخ^۴ للمرضی -
تألیف رازی . کتاب الطبیخ - از خود او .

کتابهاییکه در سمیات و داروسازی

تألیف شده

رنطاح

معلوم نیست از قدیمیان و یا متأخران است . و این کتابها از اوست : کتاب السمومات
وترکیبها و اصولها - در حدود پنجاه ورق . کتاب السمومات - از ابن بطریق . کتاب السمومات
للهند . کتاب السمومات و دفع ضررها - از کندی . کتاب السمومات لقسطابن لوقا و دفع
مضارها . کتاب اجناس الحیات - مترجم هندی . کتاب اجناس الحشرات - از ابن بطریق .

۱- طبیخ لغت حجازیان و بمعنی خوراکیست که خورش دارد (اقرب الموارد) .

۲- ف (یسخر) . ۳- ف (ماسویمن) . ۴- ف (اطعمه) .

کتاب الصيدنة - از رافق^۱ دواساز . کتاب الصيدنه از رازی .

کتابهاییکه در تعویذات ورقی

تألیف شده

کتاب الهیا کل السبعة . کتاب الخواتیم السبعة . کتاب الحراب^۲ السبعة . کتاب المنازل- السبعة . کتاب الرقی والتعاوید - تألیف ابن وحشیه . کتاب الرقی والتعاوید - تألیف احمد بن- هلال . کتاب سفر آدم و در آن نام ملائکه و کیفیت بکار بردن آن نامهاست - مؤلفش شناخته نشده ، و یهودیان آنرا از خود دانند ، کتاب الهیاجات والعطوف والحلول والربوط مؤلف گمنام است .

نام کتابهایی که مفرد است و نام

مصنفان آنها

کتاب الجواهر واصنافه - که محمد بن شاذان جوهری برای معتضد تألیف کرد . کتاب التلاویح - تألیف یحیی بن محمد زجاج . کتاب السبول^۳ . والمعجونات والغضار الصینی - تألیف جعفر بن حسین . کتاب النداء علی الاشیاء ، مسجع ، ومؤلفش بدرستی شناخته نشد . کتاب- الهلیلجه - مؤلفش شناخته نشده و آنرا بصادق علیه السلام^۴ نسبت داده اند و این امر محالست . کتاب اجناس الرقیق والکلام علیه - که یکی از مردم مصر برای ابن بطحاح تألیف کرده ، و در حدود یکصد ورق است . کتاب الکنوز السبعة - مؤلفش شناخته نشد . کتاب دفائن البیوت - مؤلف شناخته نشد . کتاب المعادن والمطالب والکنوز - از مصریان . کتاب مزاجات الجواهر- المعدنیه وعمل الفولاذ والطاقیقون والخماهن والصغر وغير ذلك - مؤلف شناخته نشد .

۱- ف (لراوق) . ۲- ف (الجواب) . ۳- ف (السیوب) . ۴- ف (رضی الله عنه) .

نهمین جزء

از

کتاب الفهرست

در اخبار

علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

تألیف

محمد بن اسحاق بن محمد بن اسحاق که معروف

ابو یعقوب وراق است

حکام خط المصنف
عبد محمد بن اسحق

نمونه‌ایست از خط نویسنده نسخه

چستریبتی و تقلیدی که از خط

مصنف کرده است

مقاله مذاهب و اعتقادات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقاله نهم - از کتاب الفهرست

فن اول

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده اند

مشمول بر

چگونگی مذاهب حرانیان کلدانی معروف بصابئه

و مذاهب ثنویه

کلدانیان

این حکایت را احمد بن طیب بخط خود از کندی

نقل کرده است .

این گروه بر آنند که عالم يكعلت دارد ، و همیشه يكتا بوده و فزونی نیابد ، و از صفت معلولات چیزی باو نپیوندد . و صاحبان تمیزور شد از بند گانش را مکلف در اقرار بخداوندی

خود نموده ، و راهشانرا واضح و نمودار کرده ، و پیامبرانی را برای راهنمایی آنان فرستاده ، و برای آنکه حجت را تمام کرده باشد ، بآنان دستور داد که مردم را به بهشت او دعوت نمایند . و از خشم و غضبش هراسان دارند . باطاعت کنندگان زندگی جاوید را نوید دهند ، و عاصیانرا از عذاب ، و مجازات باندازه استحقاق برحذر سازند - و بهمینجا قطع میشود .

از برخی پیشینیان باستانی نقل شده ، که گفته است : خداوند نه هزار دور معذب میدارد ، و پس از آن در پناه رحمت الهی درآید ، ولو آنکه اختصاص بآن گروهی داشته باشد ، که داعی بحق ، و پیرو دین حنیفی باشند که بآن گروهیده اند^۱ . و برجستگان و بزرگان آنان : ارانی ، و اغناذیمون^۲ ، و هرمس بوده ، و برخی ، سولون جد مادر افلاطون فیلسوف را در شمار آنان آورده اند - دعوت این گروه یکنواخت بود ، و در سنن و آئین باهم اختلافی نداشتند ، و قبله خود را یکی میدانستند ، و در سفر^۳ خردمندان قطب شمال قرار داده شده بود ، تا بحکمت دستیابی داشته باشند . و از آنچه با فطرت^۴ مناقضت دارد بدور مانند ، و خود را ملزم برعایت فضائل چهارگانه نفس داشته باشند . از فضائل کوچک و جزئی برخوردار ، و از کوچکترین کارهای ناشایست دوری جویند ، و میگفتند ، آسمان از روی اختیار و خردمندی در حرکت بوده ، و نماز روزانه در سه وقت واجب است . اولی - در هشت رکعت ، و هر رکعتی سه سجده ، پیش از طلوع آفتاب به نیم ساعت یا کمتر ، که با سرزدن آفتاب پایان برسد . دومی - در پنج رکعت . و هر رکعتی سه سجده ، که با زوال آفتاب پایان یابد . و سومی مانند دومی بوده ، و یا غروب آفتاب پایان میرسد . و التزام برعایت این سه وقت برای وتدهای^۵ سه گانه است که ، و تد مشرق ، و تد وسط السماء و و تد مغرب باشد . و دیگر از واجب بودن نماز برای و تد زمین کسی سخن نگفته است . و لزوم نافله نزد آنان چون نماز و تر^۶ در نزد مسلمانان است ، و هر روزی در سه وقت باید ادا شود ، اول دو ساعت از روز رفته ، دوم ، در ساعت نه از روز ، و سوم ، سه ساعت از شب گذشته ، و طهارت شرط اولی نماز است .

وسی روز ، روزه را واجب شمرند ، و اول آن از هشتمین روز ماه اذاراست . و نه روز

۱- ف (یقسمون) ش (یتسمون) . ۲- ف (أغناذیمون) .

۳- سفر - کتاب بزرگ ، و بقولی ، هر جزئی از اجزاء تورات (اقرب الموارد) .

۴- ف (بالقطر) ش (بالفطر) . ۵- و تد در لغت بمعنای - میخ است . و

باوتاد جمع میشود . و اوتاد الارض کوههای زمین است (منتهی الارب) .

۶- و تر بکسر اول و سکون دوم ، بمعنای (یکه - و طاق) است ، و در فقه اسلامی نام

نماز یکرکعتی است که از نوافل شب است (ر.ک. منتهی الارب. و کتاب الصلوة شرائع) .

آخر کانون اول را روزه گیرند ، به‌مچنین هفت‌روز از هشتمین روز ماه شباط ، که در نظرشان بسیار بزرگ و با اهمیت است . و در روزه نافله‌هایی دارند ، که یکی شانزده روز ، و یکی بیست و هفت روز است .

و قربانی‌هایی برای تقرب دارند ، و آنرا ویژه ستارگان دانند ، و بگفته برخی از آنان ، اگر قربانی بنام باری تعالی شود ، آثار خوبی را نشان نخواهد داد ، زیرا بعقیده آنان این کار چنانست که بیک کار عظیم و بزرگی دست‌اندازی شود که پایین‌تر از آن هم وجود داشته و ترك شده ، و بهمین سبب ، نه خوب در آید ، و نه بد . و ذبیحه قربانی عبارتست از گاو نر ، و بز ، و سائر چهارپایان جز شتریکه در فکین دهانش دندان‌نباشد . و از پرندگان ، آنرا قربانی‌کنند که از نوع کبوتر و مرغان شکاری نباشد ، و ذبیحه را بریده شدن رگهای گردن و حلقوم ؛ و تذکیه را جدا نشدن سراز بدن حیوان دانند ، و بیشتر ذبیحه‌شان خروس بوده ، و قربانی را نمی‌خورند بلکه آنرا می‌سوزانند ، و در روزیکه قربانی‌کنند ، بیتخانه نمی‌روند ، و در هر ماه چهار وقت برای قربانی دارند ، وقت اجتماع^۱ . وقت استقبال^۲ ، و روزهای هفدهم ، و بیست و هشتم ماه .

و اما عیدهای آنان : عیدی بنام عید فطر السبعه ، و عید فطر الشهر ، و بقولی^۳ فطر الثلاثین در دو روز ، و یکی هم پس از گذشتن پنج روز و یکی دیگر هم پس از گذشتن هجده روز ، که روز بیست و ششم آنماه میشود . و عید الحبل ، در روز بیست و پنجم تشرین اول ، و عید المیلاد ، در روز بیست و سوم کانون^۴ . و عیدی ، در روز بیست و نهم تموز . و باید در جنابت ، غسل کنند . و جامه را عوض نمایند ، و با دست‌زدن بزنج حائض ، غسل کنند ، و جامه را عوض نمایند . و البته زن حائض را باید از هر چیزی دور نگاه دارند . و چه بسا که هنگام جنابت ، یا دست‌زدن بزنج حائض گل ارمنی در آب ریخته و غسل کنند . و ذبیحه در نزدشان صورت پیدا نمیکند مگر در حیواناتیکه ریه و خون دارد ، و خوردن گوشت شتربی‌دندان ، و آنچه تذکیه نشده ، و هر حیوانی که در فکین او دندان‌نباشد ، مانند

۱- اجتماع در اینجا ممکن است بمعنای - گرد آمدن ، و تجمع باشد - و یا بمعنای هنگام مقارنه ماه با آفتاب آنگاه که در یکبرج و یکدرجه هستند (ر.ک. فرهنگ فارسی آقای دکتر معین) .
 ۲- استقبال در اینجا ممکن است بمعنای پیشواز کردن باشد - یا بمعنای هنگام مقابله دو کوكب مخصوصاً خورشید و ماه (ر.ک. فرهنگ فارسی آقای دکتر معین) .
 ۳- ف (قیل) ش (قبل) .
 ۴- در ماههای رومی دو کانون است کانون اول - و کانون دوم - و اینجا معلوم نیست مراد کدام يك است .

خوك، وسك، و الاغ، و از پرندگان جز کبوتر هر چه چنگال دارد، و از نباتات، باقلا و سیر ممنوع بوده و برخی از آنان، لوبیا و کلم و چغندر و عدس را مشمول آن ممنوعیت دانسته‌اند. و در کراهت از شتر باندازه افراط دارند که گویند، کسیکه زیر مهار شتری راه رود، حاجتش برآورده نگردد. و از مبتلایان به پسی، و جذام، و سائر بیماریهای مسری دوری جویند. ختنه نمیکنند، برای اینکه نمیخواهند بر کاری که طبیعت کرده، کاری کرده باشند. و در ازدواج شاهی باید حاضر باشد ولی نه از خویشان بسیار نزدیک. و در ارتزن و مرد یکسانند. و طلاق ندارند جز در مواردی که دلیل روشن بر فحشاء آشکاری باشد، و پس از طلاق رجوع ندارند و دو زن نگیرند، و نزدیکی بزنی را برای پیدا کردن فرزند دانند.

و در نزدشان، ثواب و عقاب با روح بستگی دارد، و معتقدند که تأخیر پذیر برای مدت معلومی نیست. و گویند، پیامبر آنکسی است که از عیبهای نفسی، و آفتهای بدنی مبری، و در هر صفات خوب بدرجه کمال رسیده باشد. و بهر سئوالی جواب، و از آنچه در وهم و خیال است خبر دهد. و دعایش برای آمدن باران و دفع آفات از نبات و حیوان، مستجاب گردد. و مذهبش موجب اصلاح عالم، و ازدیاد عمران و آبادی باشد. سخنانشان در هیولی، و عنصر، و عدم، و زمان، و مکان، و حرکت، همان سخنان ارسطو در سمع الکیان است.

در باره آسمان، و اینکه پنجمین طبیعت است، و مرکب از عناصر اربعه نبوده و اضمحلال و فساد ندارد همان را گویند که ارسطو در کتاب السماء آورده است. و سخنانشان، در باره طبائع چهارگانه و فسادیکه در حرث و نسل دارد و حرث و نسل نیز از همان میباشد، گفتار او در کتاب الكون و الفساد است.

و سخنانشان در آثار علویه و حادثاتی که زیر جرم قمر پیدا میشود، گفته‌هاییست که در کتاب العلویه است. و سخنانشان در نفس، باینکه ادراکاتی دارد و فنا ناپذیر بوده، و جوهر است نه جسم، و ملحقات جسم بآن نمی‌یوندد، همان گفتار او در کتاب النفس است. و سخنانشان در رؤیای صادق، و جز آن. و حس و محسوسات همان گفتار او، در کتاب الحس و المحسوس بوده، و سخنانشان در یگانگی خدا و اینکه صفت از ملحقات باو نبوده، و گفتن - باید - در باره او نشاید و باین جهت سولو جسموس^۱ باو راه نیابد، همان گفتار او در کتاب مطاطا فوسیقا است^۲.

۱ - Sullogismos. کلمه ایست یونانی که در منطق از آن تعبیر بقضایای منطقیه میشود (ر.ک. لاروس زیر کلمه Sillogisme).
 ۲ - Métaphisique. کتاب ماوراءالطبیعه.

وسخنانشان درباره برهان اشیاء، متضمن همان شرائطی است که در کتاب فودیقطیقا^۱ ذکر گردیده و کندی گوید: کتابی دیده است که این گروه آنرا میخوانند^۲. و عبارت از چند مقاله در توحید است که هر مس برای پسرش برشته تحریر در آورده، و میرساند تا چه پایه بتوحید توجه داشت، و هر قدر فیلسوفی، بخود رنج کاوش در این باره دهد، ناگزیر از پذیرفتن آن بوده، و باید دارای همان عقیده باشد.

حکایت دیگر درباره آنان

ابویوسف ایشع قطیعی نصرانی، در کتاب خود، در کشف از مذاهب حر نانیان که امروز بصائبه معروفند، چنین گوید: مأمون در اواخر روزگارش، بقصد تاخت و تاز شهرهای روم، ازدیار مضر^۳ که میگذشت، مردم باستقبال و ثنا گوئی وی شتافته، و در میانشان گروهی از حر نانیان دیده میشد که طرز لباس، و هیئت آنان، در آن روزگار بدینگونه بود، بر تن قبائی^۴ داشتند و موی سر را بلند و پر پشت نگاه میداشتند. بهمان گونه که قره جد سنان بن ثابت خود را میآراست، مأمون از طرز پوشاک و هیئت ایشان ناخوش گردیده، و پرسید شما از کدام مردمید، و آیا اهل ذمه هستید، جواب دادند، ما حر نانیانیم. پرسید، از نصرانیانید، گفتند - نه. پرسید از یهودیانید، گفتند نه. پرسید، از مجوسیانید، گفتند - نه. پرسید، آیا کتابی دارید. در جواب، سخنان نامفهومی گفتند، گفت پس شما از زندیقان بت پرست و همان اصحاب الرأس، دوران پدرم هستید، که خون شما حلال است، و ذمه ندارید. گفتند ما جزیه میپردازیم. گفت جزیه بر آن مردمی است که دارای دینی از ادیان نامبرده در قرآن بوده، و کتابی هم داشته، و در اثر مخالفتی که با اسلام میورزیدند مسلمانان با آنان صلح کردند بشرطیکه جزیه بدهند، و شما از هیچکدام آنها نیستید. از این جهت یکی از این دواهر را انتخاب کنید، یا باسلام یا یکی از ادیانی که در قرآن نامبرده شده در آئید، و یا آنکه تا نفر آخر کشته شوید، و من تا مراجعتم از این سفر بشما مهلت میدهم، که باسلام، یا یکی از ادیانی که در قرآن ذکر شده در آئید، و نه، امر بکشتن

۱- ش (فسطاطا فوسیقا) و فودیقطیقا - أبو دقطیقا ست - Apodeixtexos . این اصطلاح در کتب ارسطو معنی قضیه برهانی را میدهد . یعنی قضیه مسلمة که برهان بر آن قائم شده و قابل نقض نیست (ر.ک. فرهنگ فارسی آقای دکتر معین) .

۲- ف (.. کتاب یقر به) ش (کتاب یقرئه) .

۳- دیار مضر بضم اول و فتح دوم - در دستی قرار دارد که نزدیک بقسمت شرقی فرات و در حدود حران و رقه ، و شمشاط ، و سروج ، و تلمزون ، است (معجم البلدان) .

۴- قبا - بفتح ه ، جامه بلندیست که روی پیراغن پوشند و کمربندی دارد (اقرب الموارد) .